

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳

بیکار

۲۴ صفحه

دوشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ بهاء : ۲۵ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

تردید نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های ضد امپریالیستی توده‌های مردم است.

رفران دوم قانون اساسی "خبرگان"

و موضعگیری های نیروهای مختلف سیاسی درباره آن (۱)

تا سوغای و غایب، فریاد مرگ بر آمریکا، سر دادند، و درست در لحظاتی که امپریالیسم خونخوار آمریکا، تلاشهای مذبوحانه‌ای را بقیه در صفحه ۲

سراخام درست در شرایطی که حروش ضد امپریالیستی خلقهای ما میهن ما را به لرزه در آورده است، درست در شرایطی که میلیونها نفر از توده‌ها در راه ایستائی های روز

بار دیگر زلزله در خراسان عده ای از هموطنان ما را به لاکت رسانید. این نیز از نتایج نظام طبقاتی که فقر و ستم را بر سمیت میثنا سید، میباند. ما این ضایعه را به هموطنان ما رز مخصوص خلق ستم دیده، نواحی زلزله دیده، خراسان تسلیم می - گوئیم.



گرامی باد خاطره سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان

صفحه ۲۱

چگونه بورژوازی، کارگران مبارز و حق طلب را تهدید میکند؟

(مروری بر پیام شورای انقلاب)

صفحه ۱۶

هشدار به تمام نیروهای انقلابی، توده‌های آگاه و بویژه خلق بلوچ!

امپریالیسم و جانهای محلی در صدد توطئه بر علیه خلق آند

در تلافی برای نگهداری موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و دستی در جهت حفظ سابقه و نفوذ متزلزل نده این به تلاشی سخت دست در دست هم برداخته اند. بقیه در صفحه ۹

امواج نوس و خروشان مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران، نیروهای بنیاد ارتجاعی بومی و امپریالیستهای جهانخوار را بسکبان بهراس و وحشت انداخته است. اولی

صفحه ۱۴

صفحه ۱۵

صفحه ۸

صفحه ۱۲

- مدنی کیست؟ (قسمت آخر)
- ریشه‌های بحران مسکن در ایران
- جنبش دانش آموزی
- شیوه برخورد پهلوتری با خرده بورژوازی؟ (قسمت آخر)

جنبش گارگری

- سود ویزد و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار"
- چند خبر از کارخانه "جوکا"
- حمله و حشانه اوباشان به کارگران و کارکنان "آبروسلان" رشت
- اقدام انقلابی کارگران کارخانه آلیازارک
- سندیکای ضد کارگری
- شادان پور را بشناسیم

صفحه ۳

امپریالیسم آمریکا را در هر جا که هست درهم بکوبیم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

دشمن اصلی خلقهای ایران "در سر کشور" در برابر مردم ایران بدرستی میباید ملی سالهای طولانی رنج و غقتان، کشتار و سرکوب خود را در وجود امپریالیسم جهان - خوار آمریکا مجسم دیده اند و از زمین روست که از هیئت حاکمه میخواهند و بر این خواسته بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

رفتارندوم ...

برای محاصره اقتصاد ما و زدیدن ثروتهای ملی ما انجام میدهد ، قانون اساسی ای که بهیچوجه با حقوق صدامیرالیستی خلق ما و بیگانه زان بر علیه امیرالیسم آمریکانطبق ندارد ، بهر فرزندم گذاشته اند ! توده های مادرکوجه و حیوانات چه میگویند و چه میخواهند ، و این قانون کدائی به آنها چه می دهد ؟ زحمتکشان مادرکارخانه و مرزگرد درشان چیست ؟ و این قانون کدآمردنشان را علاج میکند ؟

خلقها میگویند سلطه امیرالیست ها و قتل اره ها امیرالیسم آمریکا قطع گردد ، سرمایه های امیرالیست ها و توکران داخلی آنها به نفع خلق مضاعف گردد ، اما قانون اساسی بهیچوجه چنین خواستی را قبول ندارد ، و حتی از سر بردن اسم دشمن اصلی خلقهای ما ، و بردن اسم امیرالیسم بیرون دارد !

۱۱ میلیون نفر خلقهای غیر فارسی خواستار خود مختاری هستند و با هر یکو کنیم ، تنها سرمایه ست ساختن حق تعیین سر نیست برای خلقها ، میتوانستند من اتحاد نظامی خلقها اعمار تارین و غیر فارسی باشند ، و بدین ترتیب در انجا منافع نامالی خلقهای ایران مطرح است ، اما قانون اساسی طبق اصول ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ و ۱۰۵ و ۱۰۳ این حق را برای ۱۱ میلیون ا خلقهای ما به رسمیت نمی شناسد و حتی بیس مذهب بیعه و سی سرزمین قائل شده است !

سپهانیان زمین براری حقوقی زبان با مردان است که نمیتوان از وجود دموکراسی برای تمامی از مردم حرف زد اما طبق اصول ۲۵ و ۱۱۵ ، برابری زبان با مردان نفی شده و زبان در موقعیت پست تری نسبت به مردان قرار گرفته اند .

خلقهای ما پس از سالیان دراز زندگی در زیر یوغ دربار پهلوی خواهان حق حاکمیت بر سر نوشت خویش اند ، اما در این قانون اساسی با وجود نهاد های چون ، " ولایت فقیه " و " شورای نگهبان " و بر طبق اصول ۴ و ۵۷ و ۷۲ و ۹۳ و ۹۶ و ۱۰۷ و ۱۱۰ حاکمیت خلق ، زیر پا گذاشته شده است .

خلقهای ما خواستار ، بهداشت و درمان رایگان ، آموزش اجباری و رایگان هستند ، اما این قانون

بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱

امیرالیسم آمریکا را ...

خود بافتاری میکنند که باید کامی عملی و موثری در جهت نفی سلطه و نفوذ غارتگرانه امیرالیست ها برداشته شود ، اینکه اصولا آیا هبات حاکمیت قبلی میتوانده خواست خلق پاسخ دهد ، نامه امری است که ما را به بیان برداشت های ما و کارنامه ۹ ماهه هیئت حاکمه فعلی سر بصورت ملموس و آشکار نشان

امیرالیسم آمریکا دارد ، همچنان در خدمت آشیای بوده و مستقیم و غیر مستقیم مجبوری ساختاری بناگاون خواهد ماند .
نگاهی به اوضاع ارتش در سالهای گذشته نشان میدهد که این دستگاه خدمتگزار امیرالیسم چگونه از کسب و سلطه ای برای غارت و جباول ثروت های ملی و تشدید وابستگی به آمریکا و از سری دیگر جفا ق سرکوب خلقهای ایران و منطقه بوده است .
بسیار کودتای فذخلقی ۲۸ مرداد که به

● **نگاهی به اوضاع ارتش در سالهای گذشته نشان میدهد که این دستگاه خدمتگزار امیرالیسم چگونه از کسب و سلطه ای برای غارت و جباول ثروت های ملی و تشدید وابستگی به آمریکا و از سوی دیگر جفا ق سرکوب خلقهای ایران و منطقه بوده است .**

سقوط دولت ملی دکتر مصدق انجام داد ، و دربار وطن فروش پهلوی دست آمریکا و انگلیس ، محو داد ، سر مست قدرت نیست ، بندر سراسر با تمام سازه های گوناگونی منهدم گردانید ، بی شکل گردید ، و طی ۲۵ سال ایران راه رشدی بزرگ بدل ساخت ، راه که همچون پدرش با کمک ارتش سرور کار آمده بود ، بنوع خود با نفوذ و تسلط جنون آمیز ارتش با نهادهای قدرت خود را تمام بخشید ، و با اینکه بر آن چوب خراج بر ثروت های ملی ایران زد ، ارتش شاه که با خرج مردم و سرطینه مردم نان نماند ، منسوخ شده بود ؛ بهمانه عمده ترس و سلبه تا منسبت کنترل سازی ایران ، بسود امیرالیست ها و در خدمت منافع آشیای کار گرفته میشود ، دستگاه ارتش همچون هسولای جبری با بندبوری هسواره قسمت نموده در آمد ملی ما را مسلبید ، بمسولان مثال در بودجه سال ۵۴ خارج نظامی ۵۰ درصد از کل بودجه را خود احتیاج داده بود ، و این درصد در حالی بود که در همان سال امور کشاورزی مملکت نسبتاً ۲ درصد از کل بودجه سهم داشت !

ساست خانمان برپا داده شاه خائن ننه سبها همدا لفظ نموده ای از درآمد منهدم راه حیات امیرالیست ها و در راه آن آمریکا مازمی گرداند ، بلکه بنوع خود وابستگی هر چه بیشتر ایران راه آمریکا تشدید میگردد ، غالباً سلاحهای کهنه ایران غارت زده فروخته میشود ، بلافاصله خلقی از کار نشانمان (بخوان خاسوسان) آمریکائی را در شمال خود سوسه ارتشان می آورد ، و ناه ارتش ایران هنوز بدون نگاه رکنی این سلاحها را بنا بوخته بود که با سوجدیه تکنیک منجول ضمنی و بخصوص در بحث نظامی این سلاحها از دور خارج می شد و هنوز آخرین محموله های سفارشات قبلی به ایران برسیده ، سفارشات جدیدی با اصطلاح برای مدرنیزه کردن ارتش در دستور قرار می گرفت .

نفت ، این مهمترین منبع درآمد ملی ما ،

داه است که تا به حد این ثوری بولادین که تنها و تنها طبقه کارگر میتواند انقلاب دمکراتیک را به سر انجام برساند درست بوده و در انقلاب ما منافع باوری پیدا کرده است ، هر چند که اینجا و آنجا ، نظیر روز هایی که در آن قرارداد رسم ، و تحت شرایط معین (که قبلاً بدان پرداخته ام) هماهنگی های را از جانب قدرتمندان با جزئی از خواست های خلق شاهد باشیم ، اما اینها هیچکدام نخواهند توانست ذره ای از اهمیت این حقیقت آشکار که در ۹ ماه اخیر هیئت حاکمه مانع رشد و ادامه انقلاب بوده است ، بکاهد .

در شرایط فعلی ، توده ها با قلی آکنده از خشم و نفرت به امیرالیسم آمریکا ، از چنان بیرونی توان انقلابی سرخوردار ، ندکه هر سریش را که بخواد خدمتی در برابر او جستن او بگیرند ، حد امیرالیستی میهنمان ایجاد نماید ، زیر کامی سگین و استوار خود ، خرد و نابود خواهند نمود ، چنین است که توده ها مصرأ خواهان آنند که تمام بندهای امارت و بندگی امیرالیست ها و در راه آن امیرالیسم آمریکا از هم گسسته شود .

امیرالیسم آمریکا طی نالها سلطه بی چون و چرا ی خود بر سر نوشت خلقهای ایران ، کشور ما را در همه زمینه های اقتصادی ، نظامی و فرهنگی با بندهای مرئی و نامرئی به انحطاط امیرالیستی خود وابسته نموده است ، بنحوی که رهائی از یوغ امیرالیسم ، بدون گسستن تمام این بندها مسمو و مقدور نیست ، از جمله این بندهای وابستگی و در حقیقت یکی از مهمترین آنها ، ارتش و دستگاه نظامی عریض و طویلی است که بوسیله امیرالیسم آمریکا سازمان یافته و طی سالهای طولانی حکومت جبارانه شاه ، همچون جماعتی در خدمت امیرالیست ها ، و در جهت تامین منافع غارتگرانه شان عمل مستنوعه است ، این ارتش در حقیقت یک ارتش تمام معنی آمریکایی بوده که اگر چنانچه ساخت آن از ریشه دگرگون نشود ، با تمامی وابستگیهای شناختنی که با

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

جنبش کارگری



و در زندگی روزمره جانب کارگر را بگیرد؟
بیرواض است که چنین چیزی معقول نیست .
تجربه مبارزات کارگران در سابقا ط دنیا و
در کشور خودمان بنحیث کارگران اسپسروان
میآمورد که کارگران تنها با انکابه نسرووی
خود وبا تشکیلات خاص خود می توانند حق خود
را بدست آورند .

حمله وحشیانه اوباشان به کارگران و کارکنان "آیرپرسلان" رشت

ساعت ۶ صبح روز شنبه ۴ آذرماه هنگامی
که کارگران شیفت اول کارخانه "آیرپرسلان"
رشت وارد کارخانه میشوند بر درودیوار
کارخانه شعارهایی چون:
مرگ بر اغضای شورا ...
روبروی بنویسند و یک ساعت و نیم بعد از آن در ساعت
۷/۵ با شعار نویسان که اینبار دیگر بجای
ماژیک چماق ، چاقو و پنجه بکن در دست
داشتند و در پیوسته گشتند ، اسی اوباشان تحسنت
پوشش بیکاران محله و بافتن کار ، چسبون
سیاهمان منول با دو مینی بوس به کارخانه
ریختند و کارگران و کارمندان مبارزو اغضای
شورا را که بطور قطع فعلا شناسایی کرده -
بودند مشروب و مجروح کردند بطوریکه برخی
از مجروحین زایه بیمارستان شدند . اوبا -

شان بعد از انجام ما موریتشان توسط سپاه
پاسداران و ژاندارمها با ملایمت پراکنده
شدند . و این " ملایمت " بهیچوجه تعجب
کارگران را برنمیگشاید زیرا که آنها بارها
دیده بودند که اوباشان خود از همان پاسدا -
رانتدویا از رفقا و باران آنها میباشند و
اینبار هم در اینجا آنها با چشمان خود دیدند
که "حسن شاهدانی " یکی از اوباشان که در
آغاز حمله اوباشان آنها را همراهی میکرد و به
کارگران زن و دختر حمله میکرد با ژاندارمها
والدینت پس از انجام عملیات و در لباس
ژاندارمی برای کمک! به کارگران آمده
بود و البته وقتی رژی می زد کارگر و حامی
سرما به دار است از پاسداران و ژاندارمها
و مدافعینش جز این انتظار نیست .

چند خبر از کارخانه "چوکا"

● کارگران بخش نخته چندلانی وسنا سنج
جوب کارخانه چوکا از روز ۵۸/۹/۴ بعلت عقد
اقتادان حقوق خود و بدقولی مدیرعامل نسبت
با بنجام شنبه! تنش دست از کار میکشند . بدنیسبال
اعتصاب این بخش ، مدیرعامل ، نماینده
کارگران بخش را میخواهد و اورا تهدید میکند
که با باید کارگران را سرکارها زگرداند و
با از شما بندیگ استعفا دهد و گرنه اخراج
خواهد شد . نماینده کارگران که از انضا ،
فناال شورا میباشند . موضوع را عینا با کارگران
در میان میگذازد و کارگران ضمن نا امیدمجدد
وی و . خواست رفع شعروشهادید از اوسر روی
برداشت حقوق و مزایای عقب افتاده . خود از
جانب کارخانه با اادامه اعتصاب خود با فشاری
میکنند .

● کارگران بخش کاغذکارخانه چوکا از
سرپرست بخش ، فردی بنام "جاودانی" بدلیل
اعمال ضد کارگری او ، سو ، استفاده های مالی
انجام شده از طرف او ، به مدیریت وشورا
شکایت میکنند و خواهان اخراج وی میشوند .
شورای کارکنان پس از تحقیق ، خواسته
کارگران را صحیح تشخیص داده و خواستار
اخراج سرپرست مذکور میشود ولی با سرپرستان
کارخانه و مدیرعامل از وی پشتیبانی می -
کنند . پس از مدتی کشمکش و با در میان نیسی
دادستانی انقلاب (مدالینکه به حمایت از
مدیرعامل و سرپرست مزبور) و نیز تهدید
به استعفا ی دست جمعی سرپرستان بحمایت از
"جاودانی" ، کارگران با با فشاری بر روی خوا -
ست خود و به یاری اتحاد و تشکل خویش توانستند
"جاودانی" را برون کنند .

● مدیرعامل کارخانه چوکا با همکاری
داستان انقلاب سندنزلی بطور مرتسب
نمایندگان کارگران را تهدید به اخراج می -
نمایند تا از این طریق آنها را وادار به
استعفا از نمایندگی کنند و بدینوسیله شورا ی
کارکنان را از هم بیاندازند ، اما بعلت حماست
کارگران از نمایندگان نشان که در جهت احقاق
حقوق کارگران و کارمندان چوکا فعلا نه مبارزه
میکنند ، مدیرعامل نتوانسته است کاری از
پیش برود و علیرغم اینکه حدود ۲ ماه است
این شورا از جانب استانداران و نمایندگان
انقلاب انزلی غیرقانونی اعلام شده ، بکار خود
ادامه میدهد .

سندیکای ضد کارگری شادان پور را بشناسیم

ما هیت ضد انقلابی و ضد کارگری سندیکا بیشتر
پی خواهیم برد . کارگران آگاه کارخانه
شادان پور بخوسی فهمیده اند که در مقابل
با کارفرمایان و سندیکای آنان تنها راه
اتحاد و تشکل است و آگاه کردن کارگران
دیگر به ما هیت سندیکا و کارفرمایان و رژیم
حامی آنان ، رژیمی که توسط کمیته ها و وزارت
کارش همیشه حق را بدکارفرمایان میدهد . مثلا
در مورد همین سه کارگر اخراجی از کارخانه
شادان پور ، قدر به کمیته و اداره کار رجوع
کردند ؟ چقدر از آنها قول و قرار شنیدند ؟ ولی
نتیجه چه بود ؟ هیچ ! حتی یکی دوبار کمیته
آنها را با زداشت و تهدید کرد . اداره کار هم
رک و راست گفت که کارفرما طبق ماده ۳۳ قانون
کار می تواند هر زمان که خواهد کارگر را
اخراج کند و بدین ترتیب آب پاکی را ریخت
روی دست آن سه رفیق کارگر و در واقع روی دست
تمام کارگرانی که فکر می کنند از طریق
مراجعه به وزارت کار و با کمیته ها می توانند
به حقشان برسند و با توبه ، این با آن مقام
حکومتی گره زکارشان بازمی شود . آخر مگر
می شود رژیم مدافع سرمایه داران باشد
و در قانون اساسی اش بطور آشکارا رومریدج از
سرمایه داری دفاع کرده باشد و آنگاه در عمل

به مقررات کارگران کارخانه "شادان پور"
بخاطر سوالی !! که در یک جلسه کارگری در
کارخانه از یکی از مسئولین مزدور بنحیث
فراج بخش نمودند ، با هر سوید کارگری در
واقع سوسله ، سندیکای ضد کارگری کارخانه
اخراج شدند . این کارگران علیرغم کوشش های
زیادشان و با اینکه نتوانسته اند همدردی و
حتی در مواردی حماست کارگران دیگر را جلب
کنند ولی بخاطر نا آگاهی اکثریت کارگران
و عدم تشکل آنها موفق نشده اند در مقابل کار
فرما و سندیکای حامی کارفرما به حقوق حق
خود برسند . سندیکای ضد کارگری کارخانه
شادان پور تهدید کرده است در صورتیکه این
کارگران به برنجوی مجددا بکارها زگردا نده
شوند ، استعفا خواهد داد . این سندیکا همچین
دیگر کارگران را تحت فشار قرار داده و آنها
را تهدید کرده است که در صورتیکه از کارگران
اخراجی حماست کنند ، اخراج خواهند شد . وقتی
شوجه کنیم می بینیم که "جرم" کارگران
اخراجی این بوده است که گفته اند : "حق منکن
و خوا ربا ربا بدافنا ف شود" با "فراج بخش
با صلاح نماینده کارگران ! در هیئت مدیره
نه کارگزار است و نه در این کارخانه کار می کند
و نمی تواند نماینده ما کارگران باشد" به عمق

حق بیمه بیکاری هم حق کارگران بیکار است ، هم حق کارگران شاغل

سود ویژه و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار"

هیچگاه علناً اعلام نمیکنند) و در واقع هدف دولت و "وزارت کار" تنها فقط فریب آنها و استعما ر بیشتر آنها می باشد.

کارگران بخوبی می دیدند که محاسبه سود ویژه هیچ ربطی به مقدار سود کارخانه ندارد و مثلاً برابر چند ماهه مزد کارگری در صدی

حق اولاد، حق خواروبار و... می باشد. کارگران بخوبی میدانند که مزد رسمی شان نمی تواند حداقل زندگی آنها را تامین کند و "سود

سود ویژه و توطئه قطع آن از جانب "وزارت کار" امروزه تقریباً تمام کارگران به این حقیقت پی برده اند که سرمایه داران نه تنها سبای واقعی نیروی کار کارگران را نمی بردارند، بلکه تا می توانند با کمک دولت حمایتان، حق کارگران را بیشتر می خورند و تا می توانند استعما ر آنها را بیشتر میکنند تا سود بیشتری را عاید خویش سازند. اصولاً اگر سرمایه دار سبای واقعی نیروی کار کارگران را تمام و کمال می برداخت، آنگاه معنای وجودی خویش را از دست می داد و دیگر سرمایه دار نبود! چرا که وجود سرمایه دار وابسته به استثمار کارگران و دزدیدن حقوق آنها، می باشد. از این واقعیت، این نتیجه بدست نمی آید که "پس سرمایه دار هر قدر دلش خواست به کارگران می دهد" خیر، سرمایه دار برای برداخت مزدی که در قبال استثمار کارگران می بردارد، مغبور به رعایت حدودیست. و اما این حدود چیست؟

● هدف سرمایه داران از تقسیم مزد به "مزد رسمی"، "سود ویژه"، "حق مسکن" و... چیست؟

● به کارگران می گویند چون "سود ویژه" "ظاغوتی" است، آنرا نمی دهیم و فردالابد خواهند گفت چون "حق مسکن"، "حق اولاد" و... "ظاغوتی" است پس آنرا هم نمی دهیم!

از مزد روزانه، اوست که تعداد این ماه یا یک یا دو صد مزد روزانه هم نه سود سرمایه دار، بلکه مبارزه کارگران تعیین میکند. از آن گذشته کارگران که خود مستقیماً با تولید و مخرج آن و نیز قیمت فروش محصولات کارخانه، سروکار دارند، براحتمی می فهمند که سود کارخانه سرمایه دار، خیلی بیشتر از آن است که وانمود میشود.

هدف سرمایه داران همواره سود بیشتر است و از این رو سایر آنها و شیوه های مختلف می کوشند تا مزد کمتری به کارگران بپردازند. یکی از این راهها همین مسئله تقسیم مزد به "مزد رسمی" و "سود ویژه" و... می باشد. آنها اگر از مزد رسمی کارگران کسر کنند، دیگر نمی توانند آنها را فریب داده و عمل خود را توجیه کنند و لائا تله، حتم کنند کارگران را (حتی کارگران نا آگاه) سرخو اهدا بخت و کار دستان خواهند داد! سرمایه داران با کم کردن از "سود ویژه" در واقع از مزد کارگران زدی میکنند و برای این منظور "تپانه های زیاد" می دارند. مثلاً می گویند که "چون سود کارخانه کم شده و محصولات بفروش نمی رسد... بنا بر این سود ویژه کمتری بشما تعلق میگیرد" حال آنکه ما نشان دادیم که سود ویژه اصلاً

"حق مسکن"، "حق اولاد" و... بولی است که کافی نبودن دستمزد رسمی روزانه را برای تامین حداقل احتیاجات روزانه، جبران میکند. مقروض بودن همگی کارگران، حواله کردن قروض خود به پرداخت سود ویژه و...، تا مین بسیاری از احتیاجات اولیه از قبیل خورد و خوراک، پوشاک، کرایه خانه و... به وسیله دریافت سود ویژه و... کاملاً نشان میدهد که بدون پرداخت همه قسمتهای مزد کارگران قادر به تامین حداقل احتیاجات خود برای زندگی نیستند و در واقع "سود ویژه" قسمتی از مزدشان است که بصورت دیگری پرداخت میشود. اما سببیم چرا سرمایه دار این کار را میکند؟ در زمان رژیم جنایتکار شاه، همیشه می گفتند که گویا پرداخت سود ویژه به کارگران برای بالا بردن بازدهی کار است. و گویا برای اینست که کارگران خودشان را به اصطلاح در سود کارخانه شریک ببینند و برای حفظ مائین ها و مواد خام و بالا رفتن مقدار تولید و در نتیجه بالا رفتن سود بکوشند! ولی این حیلها - ها تنها عده ای از کارگران نا آگاه را از چشم برای مدت کوتاهی فریب داد و کارگران خیلی زود فهمیدند که سود ویژه به هیچوجه ربطی به سود کارخانه ندارد (سودی که سرمایه داران

کارگران بخوبی میدانند که حقوق همه کارگران یک صنف مشخص، تقریباً با هم برابر است. مثلاً یک نفر تراشکار که در کارخانه ایران تا سونال کار میکند تقریباً همان مقدار سی گیری و فیس و کارگرش با همان میزان شخصی، در کارخانه سنروشن می گیرد. تراستی علتن چیست؟ و اصولاً چرا مزد تمام کارگران این قدر کم است؟ واضح است چونکه سرمایه داران آنقدر به کارگران مزد می دهند که آنها نتوانند تا مین حداقل احتیاجاتشان به زندگی بخور و نمیر خود را بدهند. یعنی کارگران فقط آنقدر مزد می گیرند که هم نتوانند بیرونی را که در حین کار کردن صرف میکنند خیران نمایند و هم حداقل زندگی را برای زن و بچه شان فراهم کنند. هم نتوانند روز دیگر در کارخانه حاضر شده و دوباره توسط سرمایه دار استثمار شوند و هم نشتان بعنوان "ریش کار" که منبع استثمار و سود رسانی برای سرمایه دار است، قطع نشود. نگاه به زندگی پسر از منقذ طبقه کارگری و اینکه کارگران حتی برای یک روز زندگی خود پس اندازند و رندوا گری یک روز کار نکنند نمی توانند چرخ زندگی خود را بچرخانند، بیرونی نتیجه گیری فوق را تا شاید می کند.

از آنجا که با بالا رفتن آگاهی و شکل کارگران و پی بردن آنها به نیروی عظیم و تاریخ ساز اتحادشان، کارگران به مبارزه بر علیه سرمایه داران و گرفتن حق خود از جنگ آنان، می پردازند. سرمایه داران همیشه در جستجوی یافتن راه هایی هستند که اولاً جلوی آگاهی و اتحاد کارگران را بگیرند و تا نتوانند بیشتر آنها را استثمار کرده و سود بیشتری را بحیب خود ببرند. یکی از این راهها که برای کمرا کردن کارگران و فشار بیشتر بر آنهاست، تقسیم مزد آنها به چند قسمت: "مزد رسمی" و "سود ویژه"، "حق مسکن"،



زمانی که طبقه کارگر هدایت چرخهای انقلاب را بدست گیرد انقلاب تا به آخر ادامه خواهد یافت.

ارتباطی به سودکارخانه ندارد و قسمتی از دستمزدها را نگردان است و پس .
همچنین سرمایه‌داران از تقسیم مزد واقعی کارگران به چند قسمت مزد رسمی و "سودویزه" ، حق مسکن و ... در موارد دیگر نیز استفاده و سود میبرد . مثلا میزان پرداخت اضافه کاری و با حق اخراجی و ... بر حسب "مزد رسمی" حساب میکنند و نتیجه مبلغ کمتری را از مزد "واقعی" کارگر ، به اومی پرداخت (البته منظور از مزد واقعی ، همان مزدی که خودکارفرما تمهید کرده که بپردازد ، نه مزدی که واقعا حق کارگران است) .

از مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که در زمان رژیم ضدکارگری و آدامکش پهلوی که حامی سرمایه‌داران و وجهانخواران بود ، سرمایه‌داران برای استثمار رهنه‌بیشتر کارگران ، مزد آنها را به چند قسمت "مزد رسمی" و "سودویزه" و حق مسکن و ... تقسیم کرده بودند . حال ببینیم بعد از قیام قهرمانانه خلقهای ایران و بعد از دهها هزار شهید و زخمی دادن توده‌ها ، چه تاثیر مثبتی در زندگی زحمتکشان بخصوص کارگران که ستون انقلاب بوده هستند ، حاصل شده و دولت فعلی چه تلاشی برای در جهت خواسته‌های کارگران انجام داده است ؟ هیئت حاکمه فعلی از آنجا شکیسه نه تنها نماینده زحمتکشان جامعه نیست ، بلکه غالباً از نمایندگان سرمایه‌داران تشکیل شده ، بنا بر این روشن است که نمیتواند از منافع زحمتکشان و کارگران ایران حمایت کند و در واقع در دعوی کارگر و سرمایه‌دار ، همیشه جانب سرمایه‌دار را گرفته است و تمامی مدت ۹ سال ، حکومتش این موضوع را در همه جا بنمایش گذاشته است .

به گلوله بستن کارگران در امفهان و شهران و خرمدره و ... کشتاردهقانان و خلقهای کرد و ترکمن و عرب و ... ، سرکوب نیروهای انقلابی و ایجاد جوسا و شور و خفان و بستن مطبوعات مترقی و گذراندن قانونهای ضد کارگری ، حمایت از سرمایه‌داران و وابسته و سرمایه‌های امپریالیستی ، عدم لغو قرار دادهای امپریالیستی و ... همه و همه نشانگر ما هیئت ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم حاکم بوده و به وضوح وابستگی و حمایت رژیم را از سرمایه‌داران و وجهانخواران امپریالیستی ، نشان می دهد .

اینها که با بوق و کرنا ۴۰ ساعت کار در هفته را اعلام کرده و به تبلیغات در این مورد پرداخته بودند ، بلا فاصله حرف خود را پس گرفته و ۴۸ ساعت کار را بیشتر مطابق گذشته معمول دانستند . حتی خیلی از امتیازاتی را که کارگران با مبارزات دلیرانه خود در اشر شهیدان و شکنجه‌شدن رفقای خود ، بدست

آورده بودند ، این میوه چپان انقلاب پس گرفتند . (برای مثال تعطیل پنجشنبه‌های کارگران قهرمان نفت را لغو کرده اند) همین طوری بلندگوهای کرکننده‌شان شب و روز را جمع به بالا بردن دستمزدها کارگران و تعیین دستمزد حداقل ۵۶۷ ریال در روز برای کارگران سر و صدا برآوردند ، بطوریکه عده‌ای از کارگران سی اطلاع و سادهدل را توانستند بغریبند ، در صورتیکه میدانیم تورم از سیاد شونده ، جامعه که با عتبالا رفتن سرمایه و ارزش قیمت محصولات اولیه زندگی شده است ، روز بروز قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را با شیب می آورد . مثلا اگر کارگری دوسال پیش با روزی ۳۰ تومان بزحمت زندگی بخور و نمیری را میگذاشت ، اکنون با ۶۰ تومان در روزها ن زندگی حداقل راه نمی تواند بگذرانند ، (توجه به بالا رفتن سریع قیمتها و حتمی کمبایی برخی از مواد اولیه زندگی و مقایسه آنها با گذشته بروشنی این مسئله را ثابت میکند) .

ولی ای کاش کار به همین جا ختم میشد ! اخیراً هیئت حاکمه و "وزارت کار" درصدد توطئه جدیدی هستند تا با زحمات بیشتر از درآمد ناچیز کارگران بکا هند و بیشتر جیب سرمایه‌داران را لولوفت را بکنند . اخیراً نمایندگان "وزارت کار" در چند کارخانه مطرح کرده اند که " چون سودویزه برای فریب کارگران بوده و طاعتی است و از آنجا که ما مزد کارگران را زیاده کرده ایم ، دیگر احتیاج به سودویزه نیست و نیاید پرداخت شود !! " اینهم یکی دیگر از چهره‌های کره ضدکارگری رژیم حاکم ! با کمال وقاحت می خواهند حق را که کارگران دلیر ما با مبارزات پرشور خود از چنگال جنایتکار شاه بیرون آورده اند ، براحق از آنها پس بگیرند و آنهم زیر لوی طاعتی بودن این حق ! لابد فردا هم خواهند گفت : " امولا چون "حق مسکن" و "حق اولاد" و ... برای کارگران در زمان طاعت صورت میگرفته ، امری "طاعتی" است و نباید پرداخت شود ! از این تازه به قدرت رسیدگان ضدمردمی واقعا سبید نیست ! این آقایان نمیدانند و نمیخواهند بدانند که گرفتن سودویزه که در واقع جزئی از مزد ناچیز کارگران است ، در اثر مالها مبارزه کارگران و به بهای مدها شهید و شکنجه شده و زندانی کشیده بدست آمده و در واقع جزئی از دستمزد ناچیز کارگران است که بدون آن حتی نمی توانند حداقل زندگی بخور و نمیر خود را اداره کنند . در جواب این حرفها ن که " در عوض ما حقوق شما را زیاده کرده ایم و سودویزه را داخل مزد رسمیتان کرده ایم ... " باید گفت اولاً شما



مزد کارگران را زیاده نگرداده بدینکه این خود آنها بودند که در شمارزات و از جان گذشتگی های خود سرمایه‌داران و نمایندگانشان یعنی شما (دولت و وزارت کار) را مجبور به دادن قسمتی کوچک از حق خود نمودند و مسلم اگر تشکل و آگاهی لازم را میداشتند حکومت را هم در دست میگرفتند و دیگر جانی برای مفتخوران سرمایه‌داران و نمایندگان باقی نمیماند . ثانیاً بسا از دنیا درسام و آفرینشها و نایابی برخی از اجناس که در اثر دامنه بحران اقتصادی گذشته میباشد و شما قادر به حل آن نبوده و نیستید در واقع روز بروز قدرت خرید زحمتکشان جامعه کم شده و بسیاری دیگر مزد آنها با شیب میاید . دلیل این موضوع را در سطح زندگی کارگران مستوان مشاهده کرده که اگر گذشته بدتر نشده باشد ، به پیچوجبه بهتر نشده (تازه باد ر نظر گرفتن مبارزات عظیمی که طبقه کارگر برای رهایی از وضع مشقت بار خویش انجام داده است) .

از این حرفها گذشته اگر طبق ادعای مقامات دولتی سرمایه‌داران و حقوق کارگران دوسه (!) برابر شده است ، پس قاعدتاً سطح زندگی و رفاه آنها نسبت به ما بست بهترین میزان ترقی کرده باشد و دیگر ما شا هدیبی مسکن ، عدم بهداشت ، سوء تغذیه و ... که دست به گریبان کارگران بوده و هست ، نشانیم ، در صورتیکه کارگران بخوبی با پوست و گوشت خود ، کماکان مشقت گذشته را حتی به میزان بیشتری احساس میکنند کارگران مبارزان و آگاه ! از این مطالب نتیجه میگیریم که سرمایه‌داران و دولت حامی شان در درددانجام توطئه‌ای دیگر بر علیه زحمتکشان و طبقه کارگر ایران هستند ، و آنهم قطع "سودویزه" در کارخانه‌هاست که در واقع جزئی از دستمزد کارگران و از حقوق مسلم آنهاست . بنا بر این برای خنثی کردن این توطئه رژیم هر چه بیشتر به فشار فشاری در این مورد پرداخته و ذهن برادران و خواهران نا آگاه خود را روشن نمائید . صفوف خود را هر چه متشکلتر کرده و اتحاد خود را در مقابل سرمایه‌داران و نفاق افکنیهای آنها حفظ کرده و به مبارزه بر علیه این توطئه ضدکارگری بپردازید . رژیم فعلی که با استفاده از نا آگاهی و احساسات پاک مدعی زحمتکشان ، تاکنون بر مسند قدرت تکیه زده است ، سعی خواهد کرد با استفاده از این عوامل در جهت ایجاد تفرقه در صفوف شما تلاش کرده و نیات شوم خود را مرحله عمل در آورد . تنها با آگاه کرده رفقای خود و متشکل شدن هر چه بیشتر است که میتوان جلوی این توطئه هیئت حاکم را گرفت و نگذاشت تا قسمتی از مزد شما کارگران زحمتکشان را به ما منتقل کسیند .

هر چه تشده تریا دمفوف کارگران و زحمتکشان شک و نفرت بر جیب و لکران حقوق کارگران و زحمتکشان

نان ، مسکن ، آزادی



اخباری از: کردستان قهرمان

در کردستان انجام گرفته فراموش نخواهد کرد. برخلاف انتظار رژیم، چون مانیروی عظیم خلق را در پشت سر داشتیم، شکست مفتضاً نه آن حتمی بود.

وی در ادامه سخنانش که بیکی از نیروهای خائن سیاسی حمله کرد و گفت: " شما همه ورا می شناسید، حسی که سرکوبیهای خلق کرد را تا ناید کرده و خلقالی جلاذ خلق کرد در انما پنده خود در مجلس خبرگان معرفی نمود." در این هنگام جمعیت یکمدا فریاد زد: "مرگ سر حزب توده". در پایان نطقنا مه ای قراشت شد که ضمن آن قطعنا مه ۸ ماده ای قبلی مورد تأیید قرار گرفت. این سخنران در پایان گفت: " از آنجا که پیشمرگان جایی لازم دار- ندو ما هیچ جایی بهتر از مقر سیاه پاسدا- ران تشخیص نداده ایم، دو روز به آتیا مهلت میدهم که آنجا را تخلیه کنند، پس از پایان مهلت در صورت تخلیه نکردن خود را ساً اقدام خواهیم کرد.

سنندج

میتینگ پیشمرگان (کومه له)

روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر بدعوت (س.ا.ز.ک.ا.) (کومه له) و با شرکت هزاران نفر از مردم میتینگ برگزار شد که عده زیادی از پیشمرگان مطلع این سازمان در آن شرکت داشتند. پس از قراشت پیام و چند سخنرانی یکی از پیشمرگان کومه له پشت تریبون رفت و در ابتدا به احترام نهاد- ی ایران و کردستان یک دقیقه سکوت اعلام کرده آنگاه پس از اشاره به جنگ تحمیلی بخلق کرد گفت: " خلق کرد هیچگاه اعدام - های وحشانه رژیم را که بدست خلقالی جلاذ

سنندج

خلق کرد پیروز است

بدنبال ورود پیشمرگان (کومه له) به شهر سنندج، این شهر چهره تازه ای بخیود گرفت. ورود آنها شکست سیاست شما جویرکوب ارتجاع و پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق کرد را در این مقطع نشان میداد. مردم سا شادی و غرور و تشریک کویان، بیگدیگرمسی - گفتند: پیشمرگ آمده! پیشمرگ آمده! آنها آتش تابنده های شبیه رقص و پایکوبی- ی برداختند، مردم اینک بتجربه دریافته بودند که خلقی یکبارچه و متشکل، حتی اگر کوچک باشد، میتواند بسیاری از قدرتها را بزانودر آورد. آنها بچشم میدیدند چگونه کما تین که به ماه پیش، کردستان را عرصه تاخت و تاز خود کرده بودند، اینک در سوراخهای خود خریده بودند و حرارت نداشتند در سطح شهر آتشی شوند. قبل از ورود پیشمرگها در اثر فشار مردم، مفتی زاده مزدور و هم - بالکبایش، مخیانه شهر را ترک کرده بود- ند، حتی دانشجویان هوادار مفتی زاده در دانشگاه تربیت مدرس سنندج از ترس از شهر رفته بودند. جاشهای مطلی دنبال سوراخ سینه ای بودند که در آن مخفی شوند. همان شب عده ای جانی دستگیر شدند. پاسدا- ران از مرکز تفتا ای کمک کرده بودند. پیشمرگان (کومه له) پس از ورود به شهر در سالتن تختی مستقر شدند و دفتر (کومه له) را در آنجا برپا کردند.

سقز

سرپیچی مشمولان از رفتن به سربازی

در تاریخ ۵۸/۸/۱۹ دیپلمه های مشمول و مشمولان عادی در مسجد جامع سقز گرد آمده و در قطعنا مه ای خطاب به ما موستاشخ عزالدین حسینی اعلام کردند که تا حقوق خلق کرد تا من بشود، از رفتن به سربازی خودداری خواهند کرد.

افتتاح دفاتر سازمانهای انقلابی در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ دفاتر سازمان انقلابی زحمتکشان (کومه له)، سازمان جریک- های فدایی و سازمان پیکار در سقز افتتاح شد. (خبرهای سقز، سنفل از خبرنا مه کومه له شماره ۱۱).



رفیق ماجدی در قلب زحمتکشان زنده است

رفیق انور ماجدی در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده فقیر روستائی بدنیا آمد. زندگی معلول زرنش، از او شخصیتی چون فولاد ساخته بود. زندگی سیاسی رفیق از سال سوم دبیرستان آغاز شد. بعد از تحصیلات متوسطه بعنوان معلم روستای "ظاهر بنده" استخدام شد و بعد از یکسال به "مولان آباد" منتقل گشت. او با رابطه تنگاتنگ و سراسر پرتحرک خود با روستا شیان زحمتکش، خیلی زود در دل آنها جای گرفت. روستا شیان "مولان آبباد" همواره بیا دخا هندا شت که او چگونه بی آنکه خم به ابروییا ورد بیکارهایشان رسیدگی می - کرد و بیما رانشان را برای مداوا با خود به تبریز میبرد. آری او در دل توده ها بود. طور - یکه وقتی ساواک وجود او را خطرناک تشخیص داده و حکم به انتقالش به "قامیشله" داد، اهالی ده با چشمی گریان به بدرقه اش رفتند. رفیق انور هر جا که بود، چنین بود. در "قامیشله" او با دایر کردن کلاسهای پیکار، جوانان ده را به سواد شدن و آگاه شدن تشویق میکرد. رفیق انور برای بهداشت ده و ولوله کشی آب زحمت فراوانی کشید. انتقال او به ده "خابوره" موجی از اندوه بر جای گذاشت.

فعالیت مداوم و خستگی ناپذیر در راه زحمتکشان با خون او عین شده بود. رفیق پس از آنکه در خانه محقر و مرطوبی مسکن گزید، مردم ده را به ساختن یک مدرسه تشویق کرد. و خود پیشاپیش همه از صبح تا شام به عملگی میپرداخت. ساختمان مدرسه به اتمام رسید و سپس حمام، و آنگاه یک جاده ماشین روبرای ده که با کمک مردم کشید. برآستی که شور انقلابی و عطش خدمت به خلق در او تمامی نداشت. و سرانجام نیز جان خود را در این راه گذاشت. آری، شب چهارشنبه (تیردشمنان بر قلب آتشین او نشست و شمع وجود پیرایش را خاموش ساخت.

شهادت رفیق در میان توده زحمتکش انعکاس عظیمی بدنبال داشت، با وجودیکه سقز بمباران شده بود، روستا شیان اطراف با قلبی معلول زخم و اندوه راهی شهر شده و

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

فجایع کمیته انقلاب اسلامی

دهگلان (کردستان)

دراعلامیه‌ای که گروهی از دانش‌آموزان و دانشجویان منطقه لیلخ حوزه دهگلان بتاریخ ۵۸/۷/۲۶ منتشر شده‌اند، آمده است:

۱- کمیته انقلاب اسلامی دهگلان به سه ده سراب حاجی پستی حمله نموده و بیش از ۵۰ نفر از اهالی ده را خرب‌گلوله و سرنیزه مجروح کرده و آنها را بسوی آن گروگان با خود برده‌اند.

۲- در کمیته مردم را به بند کشیده و در کمال وقاحت به گردن آنها زنجیر آویزان می‌کنند و جلوشان کلاه و سونجه ریخته و شهید می‌کنند که اگر نخورند باز در در جلوشان می‌ریزند. سر انجام با اعتراض شخصی بنام حاج اسمعیل رشیدی که یکی از مسلمانان مورد احترام دهگلان است، آنها را آزاد می‌کنند.

۳- در حالیکه رژیم فدخلتی دم از شور و راه می‌زند، کمیته انقلاب اسلامی افراد شور و راهی روستایی را جریمه نقدی و با بازداشت می‌کند.

۴- دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز منطقه را بازداشت می‌کنند و سپس خانواده آنها را تهدید کرده که اگر براج ندهید آنها را خواهیم کشت. ■



اورا، همراه با عده‌ای دیگر از زندگان کرد همچون ملاشید، شکافتند. رفیق یحیی در قلب زحمتکشان کورد زنده است و آینه روشن را توید می‌دهد. یادش گرامی و راهش پایدار!

بمناسبت چهلمین روز شهادت رفیق کاک یحیی خاتونی، هواداران سازمان در تقیز، ضمن بزرگداشت یاد این شهید دلاور، طی اعلامیه‌ای از زندگی و مبارزات رفیق در راه آرمان زحمتکشان تجلیل کرده‌اند.

گرامی باد خا طره شهیدای راه آزادی و استقلال خلقهای ایران

مراسم تدفین با شکوهی برگزار کردند. خلق دلاور کرد و دیگر خلقهای مبارز همواره یاد او را زنده نگاه خواهند داشت.

گرامی باد یاد شهیدای راه آزادی و استقلال خلقهای ایران

گرامی باد یاد رفیق شهید کاک یحیی خاتونی

رفیق یحیی در سال ۱۳۲۴ در روستای "قیلستون" از توابع سفزدریک خانواده متوسط چشم به جهان گشود. در هشت سالگی مادر و در یازده سالگی پدرش را از دست داد. یحیی تحصیلات ابتدائی را در سفزدریک و سپس به دانشسرای مقدماتی سیندج راه یافت. او می‌بایست در همین حال معاش خود را نیز تأمین میکرد. از همین رو تا بستن نامه خرده‌فروشی در روستا های اطراف سفزدریک، زندگی پرورش یحیی و آشنائی نزدیک او با زندگی مشقت‌بار روستایان، در او عشق و همدردی عمیقی به زحمتکشان و کینه و نفرت سوزانی نسبت به دشمن طبقاتی انباشته بود.

رفیق پس از طی دوره دانشسرای آموز-گاری پرداخت تا اینکه در دانشگاه تبریز به عنوان دانشجوی روانشناسی پذیرفته شد. شخصیت انقلابی و مبارزه جویانه رفیق همواره او را در دروئی ساواک قرار می‌داد. جانیان ساواک، در خرداد ماه ۵۴، شبانه به خانه اش یورش بردند. لکن هشیاری انقلابی رفیق مانع از آن شد که مدرکی از او باقی بماند. یحیی بعد از پایان تحصیلاتش به سفزدریک بازگشته و در هنرستان صنعتی دانشسرای مقدماتی به تدریس پرداخت. در سال ۵۴ رفیق راه کرمان تبعید می‌کنند ولی بعد از مدتی او را به تبریز انتقال می‌دهند. لیکن دیگر او حق تدریس نداشت. سال ۵۶ - ۵۵ او را این بار به خرم آباد می‌فرستند البته با زهم بدون اینکه بتواند تدریس کند.

روستایان متمسک به اطراف سفزدریک با طره فداکاریها و از خودگذشتگیهای رفیق یحیی را از یاد نخواهند برد. زندگی آنها چنان بهم گره خود بود که مرگ هم برای جدا کردنشان را نداشت. در خانه او در شهر بروی روستایان زحمتکشان همواره باز بود. و رفیق با گناه دهروشی و فداکاری یک انقلابی، راهنمای روستایان بود. و تا آنجا که می‌توانست از خل مشکلات آنان کوتاهی نمی‌کرد. سینه او سپرزحمتکشان بود و قلمش برای رهائی آنان می‌تپید. شهادت افتخار آفرینش گواه این واقعیت است. و قتیکه دهگانان زحمتکشان و تحت ستم روستائی "کوقشو" با مالکین مرتجع رو در رو شدند، او بی درنگ به کمک آنان شتافت. مالکین که به برکت پشتیبانی از دولت اسلامی مسلح شده و جواز قتل روستایان را گرفته بودند، در روز ۵۸/۵/۲۶ سینه مالا مال از آنش

خلقهای ما آماده پذیرایی از امپریالیسم آمریکا هستند!

وزارت دفاع آمریکا به ناو هواپیما بر سنگین "کیتی هاوک" که هشتاد و پنج هواپیمای اف-۱۴ و اف-۴ شکاری - بمب افکن حمل می‌کند، دستور داد از فیلیپین به سمت اقیانوس هند حرکت کند.

وزارت دفاع آمریکا به ناو هواپیما بر "میدوی" و یازده کشتی جنگی دیگر که در نزدیکی خلیج فارس هستند دستور داده مانور خودیابا و گان انگلیسی را قطع کرده و در این منطقه بمانند.

... و

(خبر گزاریهها)

اما این تهدیدات ذره‌ای در اراده خلقهای مادر مبارزه بر علیه امپریالیسم و حامیان داخلی او خلی ایجاد نمی‌کند. خلقهای پیکار - جوی ما پاسخ دندان شکنی به امپریالیسم آمریکا می‌دهند. آنها می‌گویند:

ای جنایتکارترین جانیان تاریخ! ای پلیدترین دشمنان بشریت! ما هرگز از مانورهای شما به هراس نمی‌افتیم! ما هرگز اجازه نخواهیم داد که حامیان شما در ایران با استفاده از این مانور خروش مبارزه ضد امپریالیستی ما را مانع شوند! ما میدانیم که شما جرات چنین کاری را ندارید، زیرا که میدانید در اینجا ویتنام دیگری را برایتان تدارک دیده‌ایم! اما اگر چنین حماقتی کردید، بسیار خوب، ما آماده "پذیرائی" از شما هستیم!

"مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!"

"هر چه گسترده‌تر باشد جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ما!"

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۸/۹/۲

شماره تراکت: ۸۷

اخباری از:

جنبش دانش آموزی



اخبار جنبش
دانشجویان
مبارز و رزمنده
خارج از کشور (آمریکا)

بدنبال وارد شدن نااهل مکزیک به آمریکا، دانشجویان ایرانی مبارز در آمریکا مسووح افشاکری وسیعی را بر علیه امپریالیسم آمریکا و شاه فوخته و اریوا نهادند خنده که موجب درگیری با پلیس فاشیت آمریکا و منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای از هموطنان دانشجوی ما در آمریکا شد.

پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران و بستری شدن شاه خاش در یکی از بیمارستانهای شهر نیویورک موج دستگیری و زندانی کردن دانشجویان فعال جنبش دانشجویی توسط پلیس آمریکا با زخمی شدن و دستگیری و دستور کار ترسناک به پیرونده پیش از ۵۵ هزار اردانجوی ایرانی در آمریکا توسط ادارات مهاجرت رسیدگی!! و به دلایل واهی ناکسون در حدود پیش از ۹۰ هزار دانشجویان را دستگیر، زندانی و با وادار به خارج شدن از آمریکا کرده اند.

ششکاکو

روز شنبه ۲۶ آبان نظا هراتی با شرکت بیش از ۱۵۰۰ نفر به استاکر "حزب انقلابی گوی" نیست آمریکا در شیکاگو به طرفداران از خلق زحمتکش ایران و بر علیه امپریالیسم آمریکا برکزار شد که منجر به درگیری و زخمی شدن عده ای گردید.

در طی مبارزات دانشجویان (۲۰ تا ۳۰ آبان) در ایس شهرکه منجر به درگیری و زخمی شدن عده ای و دستگیری حدود ۴۰۰ نفر از طرف پلیس آمریکا و زندانی شدن آنان گردید، و برای هر کدام تا روز تشکیل دادگاه از ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار جریمه داده و زندان و اکران جریمه ها برداخت نگردد آنها باید تا روز تشکیل دادگاه (حدود سه ماه دیگر) در زندان باشند.

۵۸/۹/۲

در بیشتر شهرهای آمریکا بخانه های ایران، متعلق به دانشجویان مبارز کنگره را سیون جهانی (هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، چریکهای فدائی خلق، اتحادیه کمونیستها) حمله شده ولی خانه های ایران دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم آمریکا و گمانا در همچنان با برجاست!!

در مقابل تمام این تجاوزات آشکار امپریالیسم آمریکا بر علیه جنبش دانشجویی و رهبران و فعالین آن در آمریکا مقامات کنسولگری ایران در آمریکا چه اقداماتی علیه شعراهای تو خالی و فریبنده بنفیع بخشی از جنبش خلق ما در آنجا انجام داده اند؟ وقتی عده ای از دانشجویان مبارز به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شیکاگو

عنا سر معلوم الحال با موفقیت برگزار شد.

در پایان راهیمایی فقط به دانش آموزان فراغت گردید. در این تظلم ضمن افشای تهاجم هیئت حاکمه به کردستان و ستایش از دلاوری و مقاومت خلق کردخواست های دانش آموزان مطرح شده بود که اهم آنها چنین است:

دفاع از خواسته های خلق کرد و محکوم کردن هرنوع سازشکاری، اخراج کلیه پاسداران از منطقه بلوچستان، قطع رابطه کامل با امپریالیسم آمریکا، تا مین آزادیهای دیمکراتیک، ایجاد شوراهای واقعی و بلاخره احقاق کامل حق خودمختاری خلق بلوچ.

خواست اخراج کارشناسان آمریکایی از ایران، بیک خواست ضد امپریالیستی نیست؟!

امپریالیسم آمریکا در رژیم سابق میباشیم و معتقدیم وجود کارشناسان نظامی در ارتش عملاً بسود تحریکات و دسیسه جینینها علیه خلقهای ایران است.

۴ - ما خواهان اخراج کلیه مستشاران آمریکایی از ایران میباشیم.

۷ - ما صریحاً هرگونه سواستفاده از احساسات نداد امپریالیستی مردم جهت خاموش ساختن نریادهای حق طلبانه زحمتکشان، دانشجویان و دانش آموزان - ان بوسله، برجست زندهای بی پایه و "توطئه آمریکایی" خواندن تظاهرات و تحمض و اعتصاب آزاد بخوانهان را محکوم میکنیم.

- (بهزی پیشمرگه رولله کوردستان - هر سه رکا و تویی تا آخر زمان) - (۵)
- (۱) - زرگار = آزاد
(۲) - آغاوات = اربابیم
(۳) - کورد = کورد
(۴) - تعداد = همان کلمه تعدی است که اشتباهی نوشته شده است.
(۵) - زنده باد پیشمرگه فرزند کوردستان - پایدار باشی تا آخر زمان.



ایران شهر

تظاهرات ضد امپریالیستی دانش آموزان

روز ۵۸/۸/۲۸ دانش آموزان دبیرستان عمر فاروق، بمنظور حمایت از خواسته های عادلانه، خلق کرد و تظاهراتی را از مبارز - انشان به راه هییمایی برداشتند. این راه - پیماشی بحدت دوساعت ادا مداشت.

روز بعد نیز شورای هماهنگی دبیران و دانش آموزان ایران شهر تصمیم گرفت که صبح روز ۵۸/۸/۲۹ یک راهیمایی به پیشتیبانی از مسازات نداد امپریالیستی مردم ایران بر - گزاریماید. این راهیمایی علیرغم اخلال

تهران

دبیرستان نوفل لوتوا

روز شنبه ۲۹ آبان ماه دانش آموزان دبیرستان نوفل لوتوا توسط بیک راهیمایی بطرف سفارت آمریکا زدند. این عده در مقابل سفارت آمریکا اجتماع کرده و قطعنامه خود را به دانشجویان مستقر در سفارت دادند تا از پشت بلندگو بخوانند. اما دانشجویان مسئول بخش قطعنامه ها به نماینده دانش آموزان میگویند در صورتی قطعنامه آنها را خواهند خواند که اجازه دهند، سه بند از قطعنامه را منسوخ شود، دانش آموزان مخالفت کرده و خودشان قطعنامه را بدون استفاده از بلندگو برای مردم میخوانند.

در زیر بندهای از این قطعنامه را که مانع از خواندن آن شد، ملاحظه میکنید:

۳ - ما خواهان تصفیه ارگانهای حکومتی، بخصوص ارتش از وجود عمال و وابستگان

پیشمرگه

نامه یک دانش آموز کرد که در وصف رابطه با پیشمرگه نوشته شده است:

پیشمرگه میخواهد خودمختاری را برای خلق کورد بگیرد، پیشمرگه میخواهد کوردستان را زرگار (۱) کند برای اینکه ما آزاد باشیم و با زبان خود درس بخوانیم پیشمرگه برای کوردستان جنگ میکند پیشمرگه میخواهد که ظلم نیند، آغاوات نیند (۲) در کوردستان دشمن کورد (۳) از کوردستان نیند بمانند باید شهرها و روستاهای کوردستان آباد باشند و برای کارگران کارخانه درست کنند تا بیکار نیند هر کس حق کورد را بخورد پیشمرگه او را می کشد کسی نمی تواند از کوردستان تعداد کند (۴).

هشدار به تمام نیروهای انقلابی ، توده‌های آگاه خلق و بویژه خلق بلوچ !

بقیه از صفحه ۱

تفکمی جا وهمقظا را شنید ما شنید "میرمولداخان سردارزهی" که همه شیروهای نظامی و غیرنظامی دولتی و غیردولتی را با حمایت خود "رژیم" در منطقه دستیار و جاسوسها رسانده‌اند، در نظر دارنده دست به حملاتی علیه دولت ایران بزنند. تا "کریم بخش میرسعیدی" را آزاد و سالم بکشند ایران برگرداند و به آنها تحویل نماندند... لازم به تذکر است همانطور که گفته شد تا مدتی پیش خانها با دولت بودند لکن موضع گیری داستان انقلاب اسلامی در زاهدان دایر بر اشتباه بودن توزیع اسلحه و سپردن کارها به دست خانها ، (روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان) سبب تده است که اختلاف نظری میان خانها در باره حمایت از دولت بوجود آید. همانطور که گفتیم بخش وسیعی از توده‌های خلق بلوچ بدلیل عقب ماندگی شدید شرایط عشیرتی و قبیله‌ای از آگاهی بسیار را رلی برخوردار بوده و بشدت نسبت به خانهای محلی دچار توهم بودند تا آگاهی‌ها از آنان حمایت میکنند. و بدلیل همین عقب ماندگی است که حتی نسبت به اعمال خائنه و جاسوتکارانه شاه نیز توجیه نیستند.

نیروهای انقلابی، توده‌های آگاه و خلق بلوچ! امیرباستیا و بویژه امیرباستیم آمریکا سخت در تراس و گوش است که هر دستی از جانب خائمن به خلقهای ایران بطرفش دراز خود، از آن پلی برای انتقال نیروهای جبهه‌ی و اسارت با ریش بردن کشورها زد. آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران هم اکنون در سرنا سرچنای بویژه خاورمیانه با منتهای کرده کرده، خلفهای شتم کشیده و استعمار رنده ولی محرم روبرومی باشد. وضعیت بر اهمیت سوق الحینی بلوچستان، وجود خانها و سردارها و... بناست ارجاعی و روابط عقب مانده، تولیدی در منطقه، نفوذ سیاسی خانها، تقریبی اندازه، خلق بلوچ، برآکنده گی جمعیتی مردم بلوچستان در منطقه و بیشتر از همه وابستگی رشد در خانها و... به امیربا - بستیا و مکان شمس گیری ما مردوران امیر - بالست همچنان که هم اکنون احوالشان در منطقه بسیار رایج شده، و طبعه، خطری را در مقابل ما قرار میدهد.

با یاد زیکطرف عمیقاً با فاش همه جا نیه خانها و سیاست ها و اعمال حمایت خوبا - "رژیم" که بنا بحال از این خانها بعمل آورده است پرداخت و از طرف دیگر در سط و توسعه تشکلات و شوراهای واقعی توده‌ها در شهرها، روستاها و... جهت گماشت. تا خلق بلوچ اداره امور اداری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سرزمین آنها و احوال خود را بدست گرفتند و با اتحاد مستحکم طبقات خلق به مقابله با هرگونه توطئه‌های امیرباستیم و خانها و رژیم که بنا بحال از آنها حمایت کرده است بپردازد.

منطقه بلوچستان به نفع هم‌جواری با کشورهای پاکستان و افغانستان که حکومتهای دست نهاده‌ای چون "دیسالین" و "بشیر الله امین" در سرکارند و سلب، قرار گرفتن آن در کرانه دریای عمان از اهمیت سوق الحینی ممتازی برخوردار می باشد. خلق زحمتکن بلوچ بسی - اندازه فقیر و در تحت ستم و استعمار چندگانه‌ای ملی و طبقاتی زندگی برآزمخت، سخت و دشواری را می گذرانند. ستم و حفظ روابط بسیار عقب مانده عشیردهای و قبیله‌ای (و حتی نوعی برده‌داری در مناطقی از بلوچستان) در بلوچستان توسط رژیم خوشخوار و پهلوی و حمایت است همه جا به رژیم مخلوع از منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی خانها، بر دارا و مولوی ها (۱) در منطقه، موجب گریه و بیدگی خلق بلوچ به سیاست سیا - سی خانها و... تا حدی کردن شده. بعد از قیام نگویم مندیمن ما دیمیز رژیم جمهوری اسلامی حمایت خود را از آنها نماند و در پیغ نمود و ارتش ایسکه ما را خلق زحمتکن - ست و بیگناهی فقیر بلوچ خلق سیاسی و اقتصادی خود را طلب نماید و سرنوت خود را از دست این رالو - حقان و خوشخواران نجات دهد. نام "تامین امنیت منطقه" (بخوان سرکوب خلق بلوچ) به مسلح کردن همین جاسوتکاران پرداخت. سفر فرما شده، ژاندارمری ایران شهرها را حلیکوبتر به "اسکد" در تاریخ ۵۸/۸/۵ برای جانب نظیر میرمحمدخان لاثاری خان بزرگ منطقه لاثار که نما شده، دوره آخر مجلس منطقه، شورای ملی بودند در این سفر خیرا طبیبان و ناسرینی که رژیم جمهوری اسلامی بدان بزرگ داده به او بدهد و بگوید که حکومه مراحمی اترطرف "رژیم" برای او سوده و بکار خود متعول باشند، نموندهای از این حمایت های رژیم از خانها - ست. و با خانها و نمایندگان سابق مجلس شورای ملی مثل کریم بخش سعیدی، عینی خان مبارکی، سبب مبارکری، سهرام خان شیرانی، میرمولداخان سردارزهی و... هر کدام ۶۰ تا ۱۰۰ تنه اسلحه از طرف ارتش در اختیارشان قرار گرفتند از نوروز دلسا می جو خدیسه حکومت خود در منطقه ادا شده و به بکار گیری اسلحه کبری و بالست حسی در روستاها و... سردارند. (در این مورد بخواه گنند به سکار ۲۶ و ۳۰، دشت آخر).

در منطقه مردم می گریه که خانهای لاثار (لاثار از سوابق امیرباستیا است) افرادی را از آنجمله "علیرضا خان مبارکی" و... را بسته با کمان فرستاده تا آنها را کتورهای آمریکا و انگلستان کمک دریافت نمایند و با "بخنار" نیز تماس برقرار سازند. همچنین تابع است که آنها به انگلستان نیز فرستاده اند. بدینسان این خبرها گفته میشود که "کریم بخش سعیدی" که یکی از خوانین معروف بلوچستان میباشد هنگام عزیمت بخارج از طریق پاکستان در فرودگاه پاکستان دستگیر شده و هم اکنون

مراجعه و خواستار اقداماتی در جهت پشتیبانی از دانشجویان در مقابل پلیس سرکوبگر آمریکا شدند. جواب جناب آقای کنسول به دانشجویان امیرباستیم چنین بود "با بد منتظریم تا روابط میان ایران و آمریکا بهتر شود تا بتوانیم در این باره اقدام کنیم". این یک جواب شخصی سی اطلاع از روابط و اوضاع کنونی نیست. این خط مشی بخشی از هیئت حاکمه است که در تناد آشتی نا پذیریم جنبش نوظفده و ر و به اعتلای توده‌های زحمتکش ما از طرفی و امیر - بالیم خوشخوار آمریکا از طرف دیگر دست و با میزند.

سائقر انیسکو

درمانفرا نیسکودر حریان نظا هرات یکی از دانشجویان بدست پلیس فاشیت آمریکا شهید شد.

هوسون

در شهر هوسون ایالت کزاس عده‌ای به خانه یکی از دانشجویان حمله کرده و پس از شکستن در و قصد بقتل رساندن او را داشتند که دانشجوی نامرده با تیراندازی یکی از مهاجمین را کشته و دو نفر را زخمی نموده و هم اکنون در انتظار تشکیل دادگاه در زندان سمری برد.

در یکی از شهرهای حوالی کانزاس سیتی دو دختر دانشجوی ایرانی توسط چند نفر آمریکایی سوده شده و به آنان تجاوز میشود. در مورد ما همت این افراد را بنده اطلاع می در دست نیست.

تعطیل

اداره شماره گذاری

روز سه شنبه ۵۸/۹/۶ روسای اداره شماره گذاری راهشانی و رانندگی تهران درب آن اداره رابروی کارمندان مبارزش که خواهان با کسزی و احقاق حقوق خود میباشند، بسته و اعلام دوروز تعطیل میکنند. در این رابطه شورای کارمندان اداره راهشانی و رانندگی با انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ یاد شده ضمن محکوم نمودن این عمل خواستار تعقیب اداره از عوامل وابسته به رژیم سابق می - کرده.

آخرین خبر رسیده حاکی است که کارمندان اجرائیات اداره راهشانی و رانندگی نیز صبح روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ از طریق شورای خود کتباً خواهان باز شدن اداره شماره گذاری و بازگشت کارمندان آن سرکارشان شده و اعلام نموده اند که: "در غیر اینصورت ما نیز از ساعت ۱۰ صبح (چهارشنبه) بعنوان همبستگی به آنها خواهیم پیوست."





ریشه‌های بحران مسکن در ایران

طیحه حاکم را از میان برداشتن (۲)

و
... تنگنای مسکن محمول ضروری شکل
سورژواشی جا معاست و جاهای که در آن
توده عظیم راجتکنان در فاعاً سدستمدیعی
تنیانه آن مقدار از وسایل معیشت گسه
برای ادا مه حیات و تولیدمثل ضروری
است منکی می باشد. سمینوا نمدون تنگنای
مسکن وجود داشته باشد (۲)

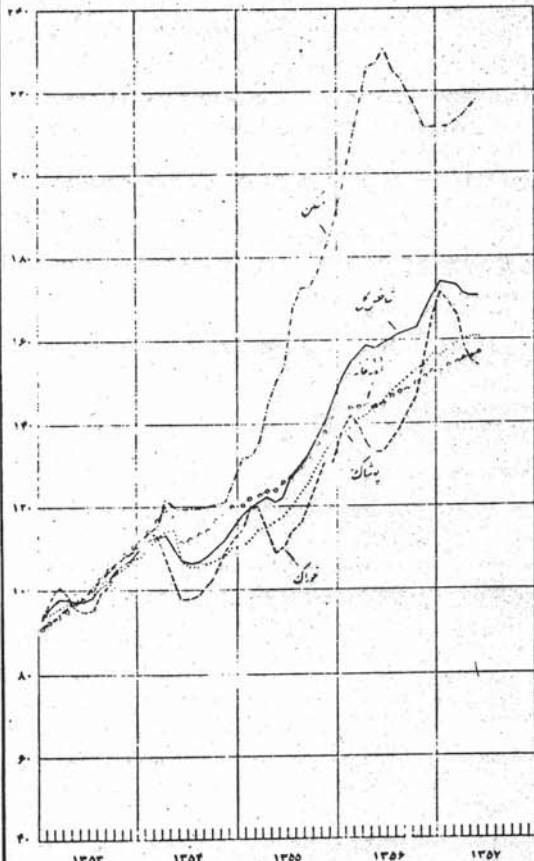
میگوید:
"این گونه تنگنای مسکن نه ویژه عصر
کنونی است و نه حتی یکی از ماضی است
که برولناریای امروزی را از دیگر طبقات
ستمکن پیشین متمایز میسازد. برعکس
این مصیبت تقریباً بطور یکسانی دامگیر
همه طبقات ستمکن در تمام دوران تاریخی
بوده است. برای پایان بخشی به این
گونه تنگنای مسکن تنها یک راه وجود
دارد: استیضار و سرکوب طبقه کارگر بوسیله

اشغال واحدهای مسکونی و تصرف آن توسط
رجمتکنان - چه دولتی و چه متعلق به بخش
خصوصی - و نیز اقدام به خاسازی در مناطقی
خارج محدوده "ازحرکاتی بود که توده ها در
تدارک جنبش انقلابی خود پس از قیام بهمین
ناه در پاسخ به بحران مسکن دادند.

حندی پیش نیز حرکت انقلابی دانشجویان
در اشغال هتلها و ساختمان های متعلق بسنه
سرمایه داران بخش خصوصی، ایضا دنازه ای بنه
سبز حرکت انقلابی توده های در ایران بختیسه
ویکی از آشکارترین دردهای اجتماعی زحمت -
کشان - یعنی مسئله مسکن را - در بحث خلقیای
مبین ما قرار داد.

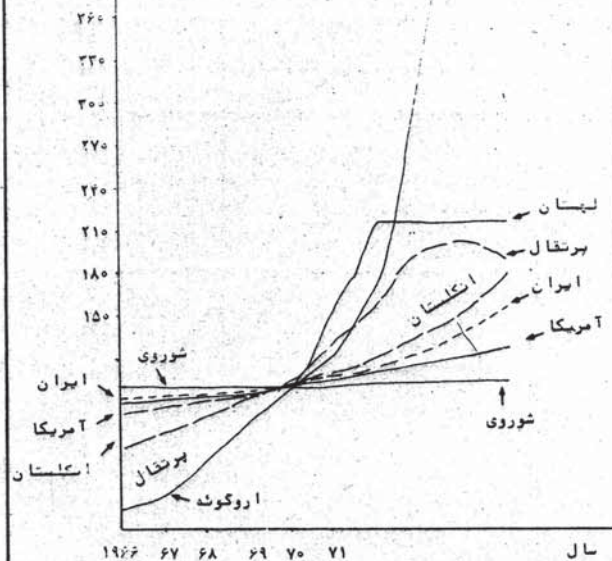
مسئله مسکن نه تنها در کشور ما که تا رو بود
افتدادش و اطمینه به سرمایه های امپریالیستی
است، بلکه مسئله ای است که حتی در کشورهای
بتریا بیداری بیشتر یافته نظیر آمریکا، ایستالیا
و... بهمنوار یکی از مسائل مهم رجمتکنان
عدجنان مطرح است (۱) انگلس در این باره

نمودار ۲ - شاخص های گاو و خوک در مصرف برق ایران
۱۳۲۰-۱۰۰



مأخذ - مجله بانک مرکزی ایران، شماره ۱۷۸، شماره دوم ۱۳۵۷

ریشه های بحران مسکن در
کشورهای مختلف جهان در سالهای
مختلف
شاخص سال ۱۹۷۰ = ۱۰۰
پس از سال ۱۹۷۶



داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

کل وجوب، آثار و نتایج حاصل از چنین زندگی-ای را در عرض همین دهه گذشته در روستا-ها بارها دیده‌ایم که چگونه یک زلزله خفیف و بسا یک سیل کافئ است تا جمعیت کثیری از روستا-نشینان را از هستی ساقط کند و تعداد دیشماره‌ای از آنان را قربانی نماید.

جدول ۲ اطلاعات فوق را در باره وضعیت منازل مسکونی بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۵۵ نشان میدهد.

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه میشود، در سال ۱۳۵۵ تازه فقط ۲۵/۳٪ از منازل مسکونی در کل کشور (۵۱/۷٪ در شهرها و ۴/۱٪ در روستا-ها) دارای شرایط مناسب مناسب اندوما بقی فاقد آتند.

جدول ۳ تراکم جمعیت در مناطق مسکونی را نشان میدهد.

در باره اول این جدول درصد خانوارهایی را نشان میدهد که ۱ اتفاق ۲ اتان و... زندگی می‌کنند. ارقام ستونهای جدول (بیشتر از نصف اول) نشان می‌دهد که مثلا چند درصد از خانوارهایی که در یک اتان زندگی می‌کنند انفره ۲ نفره و... می‌باشند. مثلا در ستون دوم همانطور که ملاحظه می‌شود جمعاً ۲۸/۳٪ از خانوارهای شهری در ۱ اتان زندگی میکنند. آنگاه از ابس در صد خانوار، ۱۵/۲ درصد خانوارهای انفره، ۱۹/۹ درصد خانوارها دو نفره و... هستند. مکعب هائی از این جدول که بصورت □ هستند تراکم جمعیت را نشان میدهد. مکعب هائی که □ هستند حالت معمولی و مکعب هائی که □ بصورت □ است وضعیت عالی را نشان میدهد. مثلا فرض کرده‌ایم منازلی که دارای ۲ اتان هستند چنانچه در این منازل ۱ نفر زندگی کند

بقیه در صفحه ۱۳

(۱) - فردریک انگلس در مورد مسئله مسکن، ترجمه، خانبا با شهبانی صفحه ۲۳

(۲) - نمودار ۱ رشد هزینه مسکن را در سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۵ در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد.

(۳) - فردریک انگلس در مورد مسئله مسکن صفحه ۵۶

شاخص قیمت کالاهای عمده در سالهای ۵۲ - ۵۷، افزایش نرخ مسکن به مراتب شدیدتر و سریعتر میباشد و بر واضح است که افزایش نرخ مسکن که در رابطه تنگاتنگ با نرخ کرایه‌ها و اجدهای مسکونی میباشد برای بخش مهمی از زحمتکشان که اچاره نشین هستند، چه فائز اقتصادي سرام-آوری را تحمیل کرده است. چنانکه میبینیم امروزه نه تنها برای کارگران و زحمتکشان، بلکه برای اقشار وسیعی از خرده‌سوزواری شهری، کرایه مسکن بیش از ۵ درصد از هزینه زندگی را در بر میگیرد.

مسئله مسکن اردو حننه مطرح است:

۱- از لحاظ کیفیت واحدهای مسکونی موجود (استحکام و بهداشتی بودن) و نمود خددمات شهری (آب، برق، تلفن، مدرسه، بیمارستان و...).

۲ - از لحاظ کمبود مسکن برای زحمتکشان و کراسی آن. اچاره‌نشی سکن و ازدحام جمعیت در مناطق فقیرنشین.

برای درک بهتر این مسئله که واحدهای مسکونی موجود دارای حد کیفیت هستند، جدول ۱ را که مربوط به سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ میباشد، مورد بررسی قرار مدهیم:

طبق این جدول تنها ۱۱/۷٪ درصد واحدهای مسکونی موجود در کشور از نوع ساختمان های دوام دوام میباشد. در حالی که در سال مذکور اکثریت فایده ساختمان های بی ۱ را با نسبت ۹۸٪ و با نسبت هائی از حسن خوب، آجر، خست و... تشکیل میدهند. ارتام مزبور در مورد فایده شهری و روستائی به تنگیک داده شده است. در حالی که در شهرها ۳۳٪ از منازل مسکونی از مصالح با دوام ساخته شده است (که سهم نامیاً در تصرف اقشار مرفه جامعه است در حالی که اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان در شهرها در منازلی زندگی میکنند که در سطح بصورت سزینا فی قابل استناد است). ۶۵/۶٪ فاقد چنین شرایطی است. در روستاها نیز همانطور که ملاحظه میشود، فقط ۱/۱٪ منازل دارای شرایط یک واحد مسکونی مناسب است! فایده منازل روستائی فقط سزینا فی است از

مبدا طبقه کارگر در آن کشورها امروزه پشوانه، سن از یکم سال مبارزه طبقاتی توانست است امتیازات قابل توجهی از سرما به-داران در زمینه مسکن بدست آورد. لیکن در کشور ما بر اثر استقرار سرمایه داری وابسته به امیرالایم و حاکمیت دیکتاتور فاشیستی در یک دوره طولانی که مکان هرگونه مبارزه صعی را هم از زحمتکشان دشوار نموده بود، ما سکنی با شرایط دیگری روبرو هستیم. در اینجا مسکن آنقدر بیعنوان یکی از اساسی ترین خواستههای زحمتکشان مطرح بوده و هست که ما سبدها بدان بوده ایم که در سالهای قبل و در جریان آغاز انقلابی اندلانی، بیعنوان یکی از شعارهای اساسی زحمتکشان، خودسر آتساز سازات سوسی بر علیه سیستم سرمایه داری و وابسته امیرالایم در ایران گردید. وهم اکنون نیز مسکن یکی از اساسی ترین خواست-های زحمتکشان و فقره های با شین و توسط خرده بورژوازی میباشد.

در باره مسئله مسکن، اهمیت و نقش آن در مبارزه طبقاتی و رسته های آن در ایران ناکنون تحلیل هائی بعمل آمده که عمده آن در رابطه با چنین خانه سازی و بورژوازی انحصاری (با بیان ۵۶) انتشار یافته است. لکن مسکن مسئله مسکن در شرایط متفاوتی با آن دوران مطرح میگردد، چه جل مسئله مسکن لاجرم از آن جهت که کمونیستها شعار ما در سرمایه-های امیرالایم و وابسته و محبوبت سیاسی نبود، لایم را در رابطه با آن قرار میدهند. در مقابل راه حل های خرده بورژوازی، بورژوازی و بورژوازیستی که امروزه در اینجا و آنجا ارائه میشود، قرار میگیرد.

مسئله مسکن و بحران آن در ایران که بورژوازی سالهای ۵۰ بعداً بروز آثار بحران اقتصادی و حرکت سرمایه های وابسته و امیرالایم لیستی بسوی بورس بازی زمین و بخش ساختمان سازی و انباشت سرمایه در این بخش اقتصادی با شدت بیشتری مطرح شده است. همانطور که در نمودار ۲ ملاحظه میشود در میان افزایش مسدوم

ساختمان های بی دوام										ساختمان های با دوام									
مکان	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع
کل کشور	۳۸۹۹	۱۱	۲۵	۲۲۱	۲۵۷	۱۱/۷	۲۹۰	۳۳۵	۵۶	۱۲۹۰	۱۱۲۵	۹۲	۳۱۹۸	۸۲/۰	۲۲۴	۶/۳			
نقاط شهری	۱۳۰۱	۸	۱۹	۴۰۲	۴۲۹	۳۳/۰	۳۰	۳۰۲	۶	۲۲۲	۲۳۸	۴	۸۵۲	۶۵/۶	۱۸	۱/۴			
نقاط روستائی	۲۵۹۸	۳	۶	۲۰	۲۹	۱/۱	۲۶۰	۳۳۳	۵۰	۱۰۶۲	۸۸۷	۸۸	۳۳۴۶	۹۰/۳	۲۲۶	۸/۶			

جدول ۱ - تعداد واحدهای مسکونی معمولی کل کشور بر حسب مصالح بکار رفته در ساختمان و به تنگیک نقاط شهری و روستائی در سال ۱۳۴۵ (بر حسب هزار واحد - نتایج سرشماری عمومی جمعیت ساکن کل کشور در سال ۱۳۴۵ - مرکز آمار ایران)

ساختمان های بی دوام										ساختمان های با دوام									
مکان	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع
کل کشور	۳۳۰۷	۷/۷	۲۲/۴	۰/۴	۱/۳	۲۵/۳	۲۰/۱	۰/۴	۳۶/۸	۱۷/۸	۱/۶	۰/۵	۲/۰	۲۲/۲	۰/۴				
نقاط شهری	۱۳۰۱	۱/۳	۲۷/۰	۱/۶	۱/۸	۵۱/۷	۱۸/۰	۰/۱	۱۵/۶	۱۲/۱	۰/۳	۰/۲	۱/۸	۲۸/۱	۰/۲				
نقاط روستائی	۲۰۹۸	۲/۴	۰/۲	۱/۰	۲/۶	۲۷/۱	۲۰/۱	۰/۵	۲۲/۹	۵۳/۹	۲/۸	۰/۸	۱۱/۱	۹۵/۳	۰/۶				

جدول ۲ - درصد واحدهای مسکونی خانوارهای معمولی ساکن بر حسب نوع مصالح عمده ساختمان و به تنگیک نقاط شهری و روستائی در سال ۱۳۵۵

ماخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبانماه ۱۳۵۵ - مرکز آمار ایران.

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه، مشخصی که در لحظه، معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات ونیروهای
غیر پرولتری
(قسمت آخر)

س.ج.ف.خ.ا. و حزب دمکرات کردستان

رفقای فدایی در نشریه کار شماره ۸۵ ای ۲۲ و ۲۳ در مثنی "انتقادی" از مواضع "کنفرانس وحدت" و بیانیه آن در مورد کردستان سار دیگر با مشخص کردن پایه ها، انتقادی خود مبنی بر دفاع از شوروی و اردوگاه سوسیالیستی، خود بدستی بر طبقه میانی از تزلزل ایدئولوژیک خرده بورژوازی در سیاستها و نظرات خویش مبنی بر مسائل و دسالمه روی از بورژوازی تکلیف کرده اند. چرا که نظریات تزلزل و ناپایداری نسبت به مارکسیسم - لنینیسم تا آنجا که مربوط به مرز بندی جنبش کمونیستی می شود در موضع گیری نسبت به رویزونیسم اهمیت بیشتری می باید س.ج.ف.خ.ا. با تکلیف بر همین اختلاف اساسی خود (موضع گیری نسبت به رویزونیسم) با نیروهای جنبش کمونیستی ای که با ریزونیسم مدرن و نوپا (به جهانی) مرز - بندی روشنی دارند روی برخورد های لیبرالی خود نسبت به جریانات بورژوازی تا کیسه میکنند.

"در میان کمونیستها در مواردی این تلقی بنیم میخورد که گویا اعتقاد به احیای سرمایه داری در ثوروی و بلشور کلی بدیش تر از انتقال مجدد اردوگاه سوسیالیستی و تبدیل آن به بیسک اردوگاه امپریالیستی نوین به عدل و مبارزه امروزین طبقه کارگر و سائیر زحمتکاران خلق ما ارتباط ندارد".

(نشریه کار - شماره ۲۲ مقاله کنفرانس وحدت با موضع گیری سیاسی ...)

و از همین پایه ها در ادامه بیانیه مربوط به کردستان به توضیح مواضع خویش نسبت به حزب دمکرات کردستان می پردازد. ما برخورد انتقادی مان در مورد مواضع رفقای فدائی نسبت به رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم بطور جداگانه در مقالات "در فضای سوسیال امپریالیسم..." در پیکار پیش برده و ادامه خواهیم داد. در اینجا روی این نکته تکیه میکنیم که چگونه مواضع رفقا و نحوه برخورد لیبرالی شان نسبت به جریانات و احزاب بورژوازی، در تمام زمینه های مختلف (برخورد با رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم، برخورد با بورژوازی حاکم و...) کل همیشه ای از تجلیات تزلزل ایدئولوژیک و ناپایداری نسبت به مارکسیسم - لنینیسم را ارائه میدهد. امری که ضرورتاً مفهوم در خدمت ایدئولوژی بورژوازی قرار گرفته است.

رفقا، این جناحهای "ناسیونالیستی" و "مارکسیسم بورژوازی" حزب دمکرات کردستان نمایندگان کدام طبقه را دارند؟ این "سیاست کاملاً بورژوازی" حاکم بر حزب دمکرات و برنا مه و تاکتیک آن مدافع و تأمین کننده منافع کدام طبقه اجتماعی واقعاً موجود است؟

نسر کنند تر شود و خیانت آنان فرصت پیش - برد مبارزه را از خلق کردستان ستاند. همه جا تا کید از ما ست.

جالب توجه است که رفقا حزبی را که بقول خودشان یک جناح آن راناسیونالیستها ی کرد و جناح دیگر آن "مارکسیست هاشمی (مارکسیسم بورژوازی) هستند که نباید تفکر آنان همان دیدگاههای حزب بوده ایران است "جناحه از نام آن بدست تک سازمان دمکراتیک ارزیابی میکنند!

آخر رفقا این جناحهای "ناسیونال - لیستی" و "مارکسیسم بورژوازی" حزب دمکرات کردستان نمایندگی کدام طبقه را دارند؟ منافع ایدئولوژی کدام طبقه را نمایندگی می کنند و این "سیاست کاملاً بورژوازی" حاکم بر حزب دمکرات و برنامد و تاکتیک آن مدافع نامن گنبد منافع کدام طبقه اجتماعی واقعاً موجود است؟ چگونه آنها از روی نام اس حزب آنها تک سازمان دمکراتیک ارزیابی می کنند؟

این عملکرد کدام ایدئولوژی است؟ شیوه برخورد خصلت نمائی، آنجا که به سه جنبه ای از واقعیت می رسد در نتیجه این سیاست کاملاً بورژوازی حزب و مخدوش کردن مرز بندی طبقاتی نیروها برآمده و سایک عقب نشینی آشکار ادامه میدهد. که "عمده کردن مسئله ملی محصر به دمکراتها نسبت خلق کرد عموماً در سطوح متفاوت تحت تأثیر سیاست سوسیالیسم قرار دارد که طبقه نامائی از سوسیالیسم است." و "هم اکنون سوز به پس از بورش و حشیا نه ارتش و پاسداران و کشتار خلق کرد آشکارا تضادهای طبقاتی باز هم بیشتر به فراموشی سپرده شده و تحت الشعاع مسئله ملی قرار گرفته است" و دست آخر اینکه: "اینست حاصل پیشبرد سانسسی خرده بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیستی که در متن سرگوب و ستم طولانی، سنگین سرمایه داری ستمگر در جامعه طبقاتی ما نهضت خلق کرد را در خمار خود گرفته است" ❗

نه رفقا! این نحوه برخورد انتقادی شما نقد کمونیستی احزاب بورژوازی نبوده و چیزی جز خصلت نمائی ساده و در عین حال شدیداً متناقض نیست که تزلزل ایدئولوژیک خرده - بورژوازی را بشمارا می گذارد. چرا که در ادامه این خصلت نمائی آنجا که مقاله س ناگزیر از بیان "سیاست کاملاً بورژوازی"

خصلت نمائی و اصرار در شیوه برخورد غیر مارکسیستی:

رفقای فدائی در نشریه کار شماره ۲۲ در توضیح "تکمیلی" و "تصحیحی" بیانیه کردستان با این مقدمه که: "... می نسیم که سیاست کردستان نتوانست محور واقعی و درستی از حزب دمکرات کردستان ارائه دهد و از آنجا که نخل حاصلی از حزب دمکرات کردستان تاکنون ارائه شده است موضع سازمان در باره این حزب در ذهن نیروها غلامخوش شده"

مواضع خود را نسبت به حزب دمکرات چنینس ارائه می دهد:

"حزب دمکرات کردستان جناحها را نامائی بدست نه یک سازمان پرولناریائی - (ا؟) که یک سازمان دمکراتیک است که یک جناح آن را سوسیالیستهای کرد تشکیل میدهند و جناح دیگر مارکسیست - های (مارکسیسم بورژوازی و ناسیونالیستی) هستند که نباید تفکر آنان همان دید - گاهای حزب بوده ایران است."

(تا کید از ما ست) و در جای دیگر مقاله:

"از آنجا که ما معتقد نیستیم حزب دمکرات کردستان یک جریان مارکسیست - لنینیست است ما از یاد درون جنبش کمونیستی ایران قرار نخواهیم داد. ما معتقدیم حزب دمکرات کردستان یک جریان دمکرات - اشک با کاراتالیسیرالیستی است..."

و در جای دیگر مقاله:

"حزب دمکرات حزبی است معتقد به سازش طبقاتی و تخفیف مبارزه طبقات در کردستان" و یا:

"حزب دمکرات به دهقانان توصیه میکند اکنون که مسئله ملی در میان است درست نیست طلبه اربابها و زمینداران اقدامی بکنند. اول مسئله ملی را حل کنیم بعداً اختلافات درونی خودمان بپردازیم"، با اعتقاد با کوشش در جهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش مسئله ملی به استقلال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملاً بورژوازی است. سیاستی است که نه تنها مسئله را حل نمیکند بلکه آنکه به زمینداران و بورژوازی کرد باعث میشود که چرخ مبارزه ملی

بقیه از صفحه ۱۱

رتبه‌های بحران ...
"وضعیت عالی"، چنانچه ۲ و ۳ نفر زندگی کنند "وضعیت معمولی" و چنانچه بیش از آن زندگی کنند "وضعیت متراکم". مینا ندوبهیمین ترتیب درموردستون های دیگر فرزند کرده ایم . اکنون برای اینکه معلوم شود چند درصد از خانوارها دارای "وضعیت متراکم" اند (از لحاظ تمرکز جمعیت و تلوغی) به این ترتیب عمل میکنیم که هر یک از ارقام ستون ها را که بصورت [] اند با یکدیگر جمع کرده و در رقم مربوط به آن ستون که در ردیف بالا است ضرب میکنیم . سپس ارقامی را که بدین ترتیب از هر ستون

بدست می آید، با یکدیگر جمع میکنیم و به همین ترتیب در مورد خانوارهای "وضعیت معمولی" و "وضعیت عالی" عمل میکنیم :
ارقام بدست آمده چنین است :
خانوارهای با "وضعیت متراکم" ۵۹/۷٪
خانوارهای با "وضعیت معمولی" ۳۸/۱٪
خانوارهای با "وضعیت عالی" ۲/۲٪
بدین ترتیب همانطور که ملاحظه میشود در مورد حدود ۶۰٪ از خانوارهای شهری تراکم جمعیت حکمفرماست که مربوط به زندگی اکثریت زحمتکشان شهری می باشد.

ادامه دارد

جدول ۲ - درمخانوارهای ساکن بر حسب تعداد افراد آنها

کسران ۱۱ خانوار	وضعیت متراکم []										وضعیت معمولی []										وضعیت عالی []									
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
جمع	۰/۵	۲۸/۳	۲۹/۶	۱۸/۰	۱۱/۷	۶/۱	۳/۲	۱/۳	۰/۷	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	
۱ نفر	۵۲/۷	۱۵/۲	۳/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	
۲ نفر	۹۲/۹	۱۹/۹	۱۱/۲	۷/۹	۶/۹	۶/۹	۵/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	
۳ نفر	۳۰/۶	۲۹/۷	۱۲/۱	۱۱/۲	۱۰/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	
۴ نفر	۲/۹	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	
۵ نفر	۵/۹	۱۲/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	
۶ نفر	۳/۰	۲/۲	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	
۷ نفر	۱/۷	۴/۶	۱۰/۸	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۲/۶	
۸ نفر	۱/۸	۲/۴	۶/۹	۸/۵	۹/۶	۸/۲	۷/۳	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	
۹ نفر	۰/۳	۱/۰	۳/۱	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	۴/۹	
۱۰ نفر و بیشتر	۴/۳	۰/۵	۲/۱	۴/۲	۵/۱	۵/۱	۵/۲	۵/۳	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	۵/۴	

بکار بسته اید و با کار خود در واقع تشریحی مبارزه طبقاتی را رد کرده اید" - لنیسن بر خورد با حزب بورژوازی .

تصادفی نیست که رفقای فدائی با این - گونه تحلیل و این دیدگاه خود وظیفه کمو - نیستها را در برخورد با حزب دمکرات چنین تعیین می کنند:

"برخورد کمونیستها با حزب دمکرات باید بر پایه خط مئی و سیاست آن حزب صورت گیرد و نه بر پایه مبارزه بسا - "بپورتونیم" در درون آن . مبارزه ایدئولوژیک با آن نه بر پایه تصحیح انحراف آنان از مارکسیسم - لنینسیم بلکه برای توضیح ماهیت خرده بورژوا - شی و دمکراتیسم غیر پرولتری حزب برای جنبش کمونیستی ایران است (؟) زیرا شرط اتحاد دنیوی با حزب دمکرات، دقیقا در همین مرز بندی طاق نهفته است".

همه جا تاکید از ناست . می بینیم که در این تعیین وظیفه ، نه افشا و طرد لیبرالیسم و ناسیونالیسم بورژوا - ائی مطرح است و نه راهائی توده های دمکرات کردار از قید سیاست بورژوازی حزب دمکرات تلاش برای تحقق آرمان انقلابی زحمتکشان و نه تبلیغ و ترویج آگاهی سوسیالیستی دمکراتیک در میان توده های کردها و مشکل نمودن و رهبری آنان تحت یک سیاست پیگیر پرولتری برای پیشبرد و به پیروزی رساندن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی بلکه تماما می

شیوه برخورد ...

حزب دمکرات میشود بلافاصله با اطلاق خصلت ناسیونالیستی به "عموم خلق کرد در سطوح متفاوت" ماهیت طبقاتی بورژوازی حزب دمکرات با این سیاست مشخص بورژوازی برده پوئی میشود . این تاثیر پذیری از ناسیونالیسم در سطوح متفاوت و خصلت ناسیونالیستی هم از نظر رفقای فدائی و با یک شیوه کارانه ناشی از "ستم ملی" است . و نه ناشی از حضور عینی طبقات بورژوازی و ازی و دهقانان کرد با منافع طبقاتی مختلف و متفاد ، نه ناشی از مواضع طبقاتی مختلف بورژوازی ، دهقانان و کارگران در برخورد با ستم ملی و بقایای مناسبات ارتجاعی فئودالی در جامعه سرمایه داری وابسته ما .

نتیجه عملی این شیوه برخورد رفقا واضح است : برده پوئی مواضع طبقاتی مختلف در مبارزه ملی و میدان دادن به پیشرفت سیاستهای ضد پرولتری بورژوازی . اطلاق خصلت ناسیونالیستی بتمام مواضع طبقاتی غیر پرولتری و قراردادن آنها در بوشن مبارزه برای مسئله ملی و یونان شدن مرز بندی های طبقاتی ابدان نشان یک نقصد مارکسیستی نیست . "اگر نشان ندهید که منافع چه طبقاتی وجه منافع خاصی در ما هیئت احزاب مختلف و سیاست هایشان در حال حاضر تقسیمی غالب دارند در واقع این مارکسیسم نیست که

وظیفه برای آگاهی جنبش کمونیستی ایران از ماهیت خرده بورژوازی و دمکراتیسم غیر - پرولتری حزب و متقاعد کردن کمونیستها به دمکرات بودن "حزب دمکرات" برای اتحاد - شان با حزب دمکرات خلاصه میشود . تا آنجا نیز همچون خود رفقای فدائی بزرگ شده و دنباله رو حزب دمکرات تبدیل گردند ! " رفقا شما با گفتن اینکه "آری حزب دمکرات همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار داده است ، حزب دمکرات بنا به ماهیت غیر پرولتری خود تصور میکند آشتی طبقاتی ، بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین مینماید و بخصوص تاکید میکند که در کردستان هر سبب - سستی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار میدهد سیاستی "غیر عملی" است ... " و تا زمانی که شما عملیات لنیرالی تان را در اسن مورد تبلیغ و اجرا میکنید . برای حزب دمکرات با سیاست بورژوا - ائی اش هم جای تکراری نیست!

رفقا ! این حزب دمکرات نیست که دستخوش توهم باشد که تصور کند آشتی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی است بلکه او در بیشتر منافع سنگ نظرانه و محدود طبقاتی خود (بورژوازی) سیاست آشتی طبقاتی را بهترین طریق نامن منافع خویش در ضدیت با خواستهای انقلابی و دمکراتیک توده ها میداند . و از همین موضع طبقاتی ضد پرولتری خویش است که تاکید میکند در کردستان هر سیاستی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد ، سیاستی "غیر عملی" است . آری ، رفقا !

"بگذار این "عملی" ساندولی دز عملی مطمئن تراز هر جزیدگی دمکراتیک ترین راه طبقاتی ممکن را تضمین میکند ... آنچه بیش از همه مورد توجه بورژوازی است ، قابل اجرا بودن این خواست است و سیاست فدائی و سوسیالیستی سوزواری طبقاتی دیگر ضرر سوزولیا - ریا از اینها ناشی میشود . ولی برای پرولتاریا موضوع مهم مبارزات است و تحکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و تربیت توده ها با روح دمکراسی پیگیر و سوسیالیسم : بگذار فرصت طلبان این را غیر عملی بخوانند . ولی غیر غم فکوی - دالها و سوزواری ناسیونالیست این بگانه تضمین عملی و حداکثر تضمین برابری حقوق ملی و صحیح است . تمام وظیفه ای که پرولتاریا در مورد مسئله ملی بر عهده دارد از نقطه نظر سوزواری - زی ناسیونالیست هر ملیتی "غیر عملی" است . زیرا پرولتاریا را دشمن هرگونه ناسیونالیسم است ."

لنین - درباره خود مختاری فوریه ۱۹۱۴ (تاکید از ماست) .



پایان

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده اند؟

یادداشت
استانداری خوزستان
 توجه به عموم بویژه مراجع مربوط در استان خوزستان
 این توجه داده میشود که
 آقای شیخ مهنا مزرعه از دوستان است و در مسیر انقلاب اسلامی ایران تلاش دارد و کمک و مساعدت لازم را در این راه با این استاندار و دیگر کارگزاران دولت انقلاب می نماید.
دکتر مدنی - استاندار خوزستان
 ۵۸/۷/۱۸

مدنی در حالیکه عناصر مزدور و روسپرده را پاک و انقلابی قلمداد میکند، متقابلاً از نیروهای انقلابی کینه توزانه بزرگتری یاد میکند و به

یادداشت
استاندار خوزستان
 این توجه داده میشود که آقای شیخ مهنا مزرعه از دوستان است و در مسیر انقلاب اسلامی ایران تلاش دارد و کمک و مساعدت لازم را در این راه با این استاندار و دیگر کارگزاران دولت انقلاب می نماید.
 ۵۸/۷/۱۸

در زیر یکی دیگر از دوستان پاک مدنی ملا را بشما معرفی می کنیم . دوستانیکه ما نتد خود مدنی آندرسوسبرده و "تیا کند" که حتی با آتش گلوله هم پاک نمی شوند.

بر اساس سند شماره ۳ ، مدنی شیخ مهنا مزرعه را از دوستان خود معرفی میکند و هم اینان هستند که از طرف وی ما مورخلع سلاح دشت آزادگان میشوند.
 اما شیخ مهنا مزرعه کیست؟
 در سند شماره ۴ شیخ مهنا مزرعه خودش را این چنین معرفی میکند:

۴۷/۱۱/۱

اینجا نب مهنا مزرعه - پدیر جا را لله افتخار مینما بم و تقاضا دارم در اداره ساواک محترم خدمت ایستادگی و رغبت دارم همکاریهای لازم را در مواردیکه با اینجانب محبت نموده در راه خدمتگزاری به شاهنشاهی آریامهر اروا حافداه و میهن همیشه آماده هستم .

مهنا مزرعه - امضاء
 در انضمامه ساواک با استخدام دوست پاک!! مدنی (۱) اداره سند شماره ۵ میتوان یافت .

این ترتیب بمن از پیش خود را معرفی و افشا میکند . وی در جواب خبرنگار آئیندگان که میپرسد: "واقعاً مدنی انقلابی، جهکرونیستی است؟" میگوید: "تا آنجا که من تخصص کردم، یک گروه همان عناصر فاسد سابق اند . امتیاز سران زمان رژیم سابق، گروه دیگر، کما فی هسند که از نظر ایدئولوژی، جیب هستند، بلکه ماسک جیبی روی چهره خود کرده اند . ماهه این عده میگوئیم ؟ ساواکی های کمونیست بعد . (آئیندگان ۱۵ خرداد ۵۸) . وقتی همکاران

(۱) - اسناد مربوط به مهنا مزرعه قبلاً در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۱۵۸ درج شده است .

موافقت ساواک با استخدام مهنا مزرعه

شماره: ۱۵۳۳۰۹۴
 تاریخ: ۲۷/۱۰/۵۸
 بوسه: []

استاندار خوزستان
 سازمان اطلاعات و ارتباطات
 تهران

با پیشنهاد آتساواک در مورد استخدام نامبرد مهنا مزرعه با مشخصات زیر: ۱۵۰۰
 ریال موافقت گردید . در ستور فرامیاید تاریخس را که استخدام وی بطی خواهد شد
 آلام نماید تا نسبت بشعبین شمار مزرعه در اعدت، قسرو رویا اندیشید . هسند
 نسبت بشعبه ارسال سند ایران، اسفند اسس شمار الهه (سیرگرافی شلفی بد و قطعه
 کسب در بزرگ رونوشت شناسنامه، شنید ناموسنگد نامه) نیز اقدام تا
 رئیس ساواک (استان خوزستان) []

چون نمی بود این یکسند
 سند شماره ۱۵۸/۷/۱۸
 در دسترس است
 تاریخ: ۱۲/۱۱/۵۸
 ۱۵۳۳۰۹۴

افتخار به همکاری با ساواک

اینجا نب مهنا مزرعه - پدیر جا را لله افتخار مینما بم و تقاضا دارم در اداره ساواک محترم خدمت ایستادگی و رغبت دارم همکاریهای لازم را در مواردیکه با اینجانب محبت نموده در راه خدمتگزاری به شاهنشاهی آریامهر اروا حافداه و میهن همیشه آماده هستم .

مهنا مزرعه - امضاء

ریاست ساواک دشت میشان
ساواک خوزستان
بخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س، و، ا، و، ا، ک

نسبت بتعیین شماره رمزپرداخت مقرری وی اقدام شود. ضمناً نسبت به تهیه و ارسال مدارک استخدامی مشارالیه (بیوگرافی ملحق بد و قطعه عکس، دو برگ رونوشت شناسنامه، تعهدنامه، و سوگندنامه) نیز اقدام نمایند.

رئیس ساواک خوزستان س.م. خاوری
آقای ناصری توجیه اقدام گردد
۴۷/۱۰/۲۹
چون نامبرده بالا باین جانب تماس ندارد مقرر فرمائید ضمن ملاحظه فرم نشان کردن وی او امر مقتضی صادر فرمائید
۴۷/۱۰/۲۹
ناصری

درباره (مهنا مزعه) اسم مستعار علیزاده شماره منبج ۲۷۲۳
عطف ۴۷/۹/۱۸-۳۶/۲۶۵۹/۴۷

بایشهاد آن ساواک در مورد استخدام نامبرده بالا با مقرری ماهیانه ۱۵۰۰ ریال موافقت گردیده. دستور فرمائید تاریخی راکه استخدام وی عملی خواهد شد اعلام نمایند تا

اما نسیم توده های آکا ارتش نسبت به مدنی چگونه رنسا رنسا خانی دارند.

طبق خبر موق در تاریخ ۵۸/۷/۲۴ در سه ماهه صحتگاه عمومی با دکان اجوا زد با شرکت تمام بکانه های لکروا رسام م ساطی خوزستان برگزار شده بود، مدنی به عنوان فرمانده نیروی درباری، همراه یک نفر روحانی در مراسم شرکت میکند.

هنگامیکه فرمان رژه داده میشود، هیچک از پرسنل واکنشی از خود نشان نمیدهند پس از چند لحظه با شعار شورا های با دکان اینجا بداید مدنی اقدام با بدکردن، بطرف مدنی و همراه روحانیش حمله و رم میزنند. در این موقع فرد روحانی که دوربین همراهش داشته شروع به عکسبرداری از صحنه آنها میکند. وقتی سربازان و درجده داران متوجه عمل او میشوند روی سرش می ریزند و با شستن دوربینش او را بشدت کتک زده و تمام لباس و عمامه اش را باره میکشند.

مدنی که وضع را اینچنین میبیند، بسوی اتوموبیل خود فرار میکند، ولی پرسنل دلبر ارتش او را از ماشین پاشن کشده و مورد بازخواست قرار میدهند. جناب شیمار با رنسا بریده و حالت زبون می گوید: "فرمانده لنگر به تهران رفته است، دربار کتک حتماً خواسته های شمارا برآورده خواهد کرد! و... " و سر انجام با کالی التماس و وعده و وعید از مهلکه جان سالم بدر می برد.

حرف آخر اینکه مدنی کور خوانده است، دیرینه است آن رمانسکه خلق قهرمان ایسران تو همتش کا ملا شکسته شود و دست و دشمنش را بهتر بشناسد و با شناختن مهره های جلادی چون او، آنها را به زباله دان تاریخ برساند کند.

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما، همواره با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما، توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش ببرد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که می توانید، بدست ما برسانید.

جمهوری مدنی در دانشگاه های اروپا و آمریکا

۱- حمایت آقای صادق قطب زاده از استان - دارخوزستان و سایر نواحی و تبلیغات گسترده را بدولت و زبون بیع ایثان - (بنیاد اطلاعات، سه شنبه اول آبان ۵۸) مسئله در شمس جمهوری مدنی اکنون با توجه به ملائسی که ذکر شد، میتوان فهمید افرادی که برای رئیس جمهور شدن مدنی تلاش می کنند در اطراف او تبلیغات و سروکارها می اندازند از چه قضا شد! بیشک دستهای پشت پرده ای که در این رابطه به مدنی ساری میکنند، آلوده و در خدمت امپریالیسم آمریکاست.

البته مدنی چرا که در محاصره ای در این مورد از ا سوال شده، مودبانته اول کمی تعارف کرده که: من تعالی به رئیس جمهوری ندارم و مایلم که به محیط درس و دانشگاه برگردم... اما بلافاصله اضافه کرده است که: البته اگر مردم بخواهند، کاری نمیتوان کرد و باید گردن نهاد.

وی حتی وقتی هم که به اصطلاح استعفا میدهد تا مینا زینبتری بگیرد و جناحهای مخالف را سرچا نشان بنشانند، دنیلهما تیبک برخوردار کرده و مشروط استعفا میدهد تا امکان ما نورد آنها نباشد. به گفتگوی شب با روزنامه با مداخله توجه کنید، همچنان دم خروس بر تاملش پیداست: "مدنی است که از سران تحریکات ملی خوزستان میشود... چون احساس کردم، موضوع فقط من هستم... لذا بهترین کار بروم. البته اگر اصراری است که در اینجا باشم شرط است که تا اول آذرماه تکلیف عناصر آسوب طلب روشن شود." (با مداخله شنبه دوازدهم آبان)

دو سه روز بعد از اعلام استعفا مشروط مدنی، همپا لکبهای وی (مجمع عمومی شورا های شورشی ستا دوبا یگه های مختلف نیروی درباری) (میتوان حدس زد که این شورا چگونه شورائی است) طی سائنه ای نگرانی خود را از این امر اعلام می دارند و بطور ضمنی از مدنی بعنوان فرزند راستین انقلاب یاد میکنند که دشمنانش علیه او مطالب " مفرزانه و او می منتشر میکنند... (اطلاعات سه شنبه ۱۵ آبان ماه) همین اشاره از بیانیه کافیس تا آنجا می راکه از مدنی حمایت کرده - و او را فرزند راستین انقلاب قلمداد کرده - اند، معرفی نماید.

مدنی، ساواکینا و سرسیردگان رژیم فاشیست (باه) انسانی واک معرفی شوند، طبعی است که فرزندان راستین خلقی که طی مبارزات خویش با رژیم شاه امتحان صداقت و با نداری خود را بی داده اند، ساواکینا کی کویست با قلمداد میشوند.

آید که با اسناد موجود مدنی بختند به وجوه مسوولان جزیره مردورا ورا صحت کند، اما آرا آنها که استعفا ساد فرما ندارد است آرادگان جوی نکات قابل توجهی است قسمتی سی از آرای او بریم.

امیر اسرا همی فرما ندارد است آرادگان که به عنوان امیران علیسه مدنی (و در واقع و با احتمال زیاد با طرد در گریه های و نافع دبا جی) استعفا کرده، در نامه خود نوشته است که مدنی مسوولیتها را بر عهده میگیرد و برای تبلیغات نجفی خود، به روحانیها برودا خند و افراد ناواکی و با سدر استعوان مبارز و مسئول در اسناداری، نکار گرفته است. قسمتی سی از متن استعفا نامه فرما - ندارد است آرادگان شرح زیر است:

- ۱- حمایت علمی و رسمی استا ندارد خوزستان ارتا بورجینا روجیه گیری دربار سر روجا نسبت منبری و جوانان مسلمانی انقلابی
- ۲- به کارگرفتن آکا ها نه فرادبا واکسی و مرجع و ناسمعیان منا و ریشبول در اسناداری خوزستان
- ۳- دستگیری مردم بیگناه و انجام جنایات سارشی جهت تحکیم موقعیت ساسی استا بداری خوزستان
- ۴- مداخلات نامیدن هر معترضی و هر منتقدی از طرف استا بداری
- ۵- انتخاب فرما ندارد و شهرداران نظامی در شهرهای مختلف استان خوزستان
- ۶- ایجاد کمیته استعفا طی از درجه داران و سربازان ارتش و برداخت حقوق کلان و امکانات و استفاده از آنان بعنوان کاردار جاویدان
- ۷- برداخت مملووتها توما ن سوحدیت المال بدرو جانی شما تا و شوخ جهت تثبیت موقعیت تبلیغات نجفی

- ۱- برداخت هزینه های با اعلامیه و بیژنی تبلیغات ریاست جمهوری از بیت المال مسامحین
- ۲- اعزام افرادی به خارج از کشور جهت سخنرانی و پخش اعلامیه در رابطه با ریاست

چگونه بورژوازی، کارگران مبارز و حق طلب را تهدید میکند؟

"مروری بر پیام شورای انقلاب"

بی پاشن آوردن دستمزدها از طریق قطع پرداخت سودویزه، نیز هست و شورای انقلاب با چنین استدلال دروغین تنها مشت خود را در پیش کارگران که ارقام و آمار درست و نادرست را قبل از هر چیزی، سلب و کسوت خود در زندگی روزمره شان لمس میکنند و تشخیص میدهد، باز می کند.

اما آنچه "شورای انقلاب" بنا بر ماهیت بورژوازی خود همچون سیمیمانند درک کند اس است که آیا اساساً کارگر میتواند با ۵۷۶ ریال مزد (که کف دستمزد در بیشتر سالها پرداخت نمیشود) زندگی کند یا نه؟ تا

این قانون اساسی باز شده است و معلوم گردیده که آنان برای همیشه خواهان وابستگی هستند.

در این پیام "شورای انقلاب" از دو برابر شدن مزدها حرف زده است. اما ببینیم واقعیت چیست؟ در تاریخ ۲۰ تیر ماه مزد کارگران ساده ظاهراً از ۲۱۷ ریال (مزد رسمی قبلی) به ۵۷۶ ریال افزایش یافت. میگوئیم ظاهراً، چرا که همه میدانیم در اکثر بخشهای صنعتی و تولیدی و حتی کشاورزی مزد واقعی کارگر ساده بیشتر از این مبلغ بود (و تنها در رشته های بسیار عقب مانده

کارگران به این دلیل ساده که مزد آنان کمتر از آن است که بتوانند با آن زندگی حداقل داشته باشند بر علیه سرمایه داران مبارزه میکنند. (تفاوت ۵۷۶ ریال با ۱۰۴۰ ریال خود منطبق ساده اماری است) و شورای انقلاب نیز درست به این دلیل ساده که علیرغم هر رنگ و لعاب مذهبی و انساندوستانه که بر چهره زند، از درک رنج و خواست کارگران عاجز است، آنان را تهدید میکند!

بند شاخ و شونه برای کارگران مبارز میکند، کارگرانی که در بی احقاق حق خود هستند در اینجا ما جدولی را که در زمان شاه خاش برای پرداخت حداقل دستمزد به کارگران تهیه شده است در پیش روی همه میگذاریم، تا خود قضاوت کنند که زندگی کردن با ۵۷۶ ریال یعنی چقدر آسان اگر کارگری بخواهد حداقل آنچنان که رژیم شاه بر سمیت شناخته است زندگی کند جز مبارزه کردن با سرمایه دار و دولت حامی او، راهی دارد؟

بنقل از کتاب قانون کار انقلابی از انتشارات سازمان

حداقل نیازمندیهای زیستی

پلک خانوار ۴ نفری نیازمندی در ایران
به منظور برآورد حداقل دستمزد کارگران
(صفتها مرسومه با او حسب احوال است)

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در هر سال به کیلوگرم	تیم واحد کالا	تیمت کل (ریال)
انف-خوراک	مصرف در روز بر حسب کلم		
نان	۳۰۰۰	۱۰۰/۵	۲۷۲۵۰
بزرگ چای	۲۵۰	۲۱/۲	۵۲۵۰
حبوبات	۱۰۰	۲۶/۵	۲۶۵۰
گوشت گوساله	۲۰۰	۷/۳	۱۴۶۰
بنا بر این هیئت حاکمه برای عدم پرداخت	۱۰۰	۲۶/۵	۲۶۵۰
رضن نبات	۲۰۰	۷/۳	۱۴۶۰
ماست	۲۰۰	۱۸/۲	۳۶۴۰
پنیر	۵۰	۱۸/۲	۹۱۰
تند	۵۰	۱۸/۲	۹۱۰
شکر	۱۰۰	۲۶/۵	۲۶۵۰
چای	۲۰	۷/۳	۱۴۶۰
سبزی	۲۰۰	۷/۳	۱۴۶۰
اسفنج	۸۰۰	۲/۳	۲۷۲۰
گروه فرنگ	۲۵۰	۱۱/۲	۲۷۶۰
سیب زمینی	۲۵۰	۱۱/۲	۲۷۶۰
بوه	۸۰۰	۲/۲	۱۶۴۰

چنین مزدی پرداخت میشد) و در اکثر بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدمات، حداقل مزد بیشتر از ۳۰۰ ریال بود. گذشته از این، این افزایش مزد (با همین نسبت) شامل همه کارگران یعنی کارگران با سابقه و فنی نمیدانند. از این نیز که بگذریم، آیا میتوان مزد واقعی را بدون توجه به میزان افزایش قیمت (گرانی) سنجید؟ آیا از تیرماه تاکنون قیمت ها ثابت مانده است؟ همه تا حدی که نه! افزایش قیمت ها از اول سال جاری تاکنون به گفته آقای غفوری در "مجلس خبرگان" حدود ۲۲/۵٪ است، که با این حساب میتوان گفت که در ۵ ماه اخیر (یعنی از زمان افزایش دستمزدها تاکنون) قیمت ها حدود ۲۵٪ بالا رفته و با معیار دیگر قدرت خرید کارگران ۲۵٪ با شین آمده است. اما قضاوت فقط بدینجا ختم نمیشود. اخیراً هیئت حاکمه از طریق وزارت کار "درصد اجرای توطئه ای بر علیه کارگران شافل است. باین معنی که می - خواهند پرداخت "سودویزه" را که چیزی نیست جز جزئی از حقوق کارگران، قطع کنند. اگر در نظر بگیریم که مبلغ سودویزه پرداختی به کارگران حدوداً معیاراً ۳ ماه مزد سالانه است (برخی جاها کمتر و برخی جاها بیشتر) بنا بر این هیئت حاکمه برای عدم پرداخت ۲۵٪ از مزد کارگران در حال تلاش است (۳ ماه مزد برابر ۲۵٪ مزد سالانه است ولی اگر از مجموع ۲۵٪ با اضافه مزد امیلی سالانه، ۲۵٪ را کم کنیم، نسبت پاشین آمدن مزد ۲۵٪ میشود) بنا بر این ملاحظه میشود که از ابتدا مزدها واقعا دوبرابر افزایش داشته است و نه اگر دوبرابر شده مزد تمام کارگر آن دو برابر شده و نه از آن زمان تا بحال قیمت ها ثابت مانده و تازه وزارت کار در

"شورای انقلاب" پیامی بتاريخ ۸/۲۶ منتشر ساختند و طی آن هرگونه نظارهات و تحمض و اقدام مبارزاتی را از جانب کارگر - ان ممنوع اعلام کرده است. "شورای انقلاب" در این پیام کارگران را به مجازات تهدید کرده و مبارزه آنان را بر علیه ظلم و ستم کارفرمایان و مبارزه برای کسب حقوق صغی و علیه سبکداری، عملی "فدائقلایی" خوانده است. این اولین تهدید "شورای انقلاب" و "دولت" نیست و مسلماً آخرین آن نیز نخواهد بود. قبل از این نیز "شورای انقلاب" بنا تصویب ماده ۹ قوانین "جرائم ضد انقلاب" برای کارگران پیشرو اعتصابی مدت ۲ تا ۱۰ سال زندان معین کرده بود! بازرگان اینتن خاش به انقلاب و خلق که ۹ ماه تمام، شب و روز را در تلاش برای نوسازی سیستم سرمایه داری وابسته، ارتش شاهنشاهی درهم ریخته و ادارات فاسد شده گذرانده است، قتل از این در اکثر نطقهای رادیو تلویز - سویی خود، کارگران مبارز و حق طلب را "فدائقلایی" معرفی کرده است!! و بدین ترتیب، کوی کارگران آگاه از این نوسوع با مقدار بسیار کم، کاملاً نایب گویندگان ش است بر می باشد.

آری، رفقای کارگر اینک با ضعیف ترات جدید در ترکیب هیئت حاکمه، شورای انقلاب که ۹ ماه تمام در کنار همان آقای بازرگان نقش همدست و همکار وی را بازی کرده است، زمت های انقلابی میگیرد.

آنها اوجگیری مبارزات فدا میریالیستی خلق را بهانه قرار داده و درست کارگرانی را تهدید میکنند که آگاه و فدا میریالیست واقعی هستند و در ۹ ماهه اخیر شمارهای فدا میریالیستی را که امروز توده ها در سطح گسترده ای به کوچ و خیابان آورده اند، تکرار می کردند. با این ترتیب بازی که گویا مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران وابسته و بزرگ، از مبارزه فدا میریالیستی جداست!

"شورای انقلاب" از "ملی" شدن صنایع حرف میزند، ما میپریم که آیا "ملی" شدنی که مورد پسند آقای بازرگان بود، می - تواند مورد قبول کارگران نیز باشد؟ "ملی" شدنی که در آن سرمایه داری وابسته سرچایش میماند و تنها برخی از سرمایه های وابسته خصوصی (نظیر لاجوردی، خیامی...) دولتی میشود، بدون اینکه در آن وابستگی به خارج قطع گردد، بدون اینکه حتی یک قران سرمایه خارجی که خون کارگران ما را مکیده است معادله شود. آری، چنین با اصطلاح ملی شدنی دردی از کارگران ما را دوا میکند؟ مسلماً، نه! شورای انقلاب نمیتواند از "ملی" شدن صنایع حرف بزند چرا که در قانون اساسی خیزگان سرمایه داری وابسته بر سمیت شناخته شده است. یعنی تمام آن تریبیکاری که می گویند اگر وابستگی را بلافاصله قطع کنیم اقتصاد فلج میشود و کارگران بیشتر بیکار میشوند. استدلالی که عده ای از همین اعضای شورای انقلاب هم میکنند، مشت تان با تصویب

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالا	قیمت کل (ریال)	نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالا	قیمت کل (ریال)
ب- بوناد	۱ عدد	۵۰۰۰	۵۰۰۰	آب	-	۱۰۰	۱۲۰۰
کتشلوار نخ پشمی	۳ عدد	۱۰۰۰	۳۰۰۰	روشنایی	-	۱۰۰	۱۲۰۰
پیراهن	۳ عدد	۱۰۰	۳۰۰	سوخت (نفت ، هیزم و کبریت)	-	۳۰۰	۳۶۰۰
زیرپیراهن	۳ عدد	۳۰۰	۹۰۰	د- بهداشت و نظافت	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰
زیرشلوار	۴ جفت	۵۰	۲۰۰	حمام برای مرد (همراه سه بار)	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰
حیراب	۱ عدد	۱۶۰۰	۱۶۰۰	حمام برای زن (همراه سه بار)	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰
کفش	۱ عدد	۳۰۰	۳۰۰	حمام برای کودکان (همراه سه بار)	۳۶ بار	۴۰	۱۴۴۰
پلوزیشی (هرسه سال یک عدد)	۱ عدد	۱۲۵۰	۱۲۵۰	اصلاح سروصورت مرد (همراه دو بار)	۲۴	۱۰۰	۲۴۰۰
پالتو (هرسال یک عدد)	۲ عدد	۵۰۰	۱۰۰۰	اصلاح سروصورت زن (همراه دو بار)	۲۴	۱۰۰	۲۴۰۰
زین	۲ عدد	۲۱۰	۴۲۰	اصلاح سرکودکان (همراه دو بار)	۲۴	۱۰	۲۴۰
پیراهن تابستانی چیت	۲ عدد	۲۵۰	۵۰۰	لباس (همراه ۴ قالب)	۴۸	۱۵	۷۲۰
پیراهن زمستانی	۲ عدد	۲۵۰	۵۰۰	ضایع برای مصرف روزانه (همراه ۱ قالب)	۱۲	۲۰	۲۴۰
جوراب نخی	۳ جفت	۷۰	۲۱۰	ه- درها	-	-	-
پوشش زیر (شامل دو قطعه)	۲ عدد	۲۵۰	۵۰۰	خانواده ۵ بینه درمانی است	-	-	-
پلوزیشی (هرسه سال یک عدد)	۱ عدد	۳۰۰	۳۰۰	و- آموزش	-	-	-
کفش یا گالتر	۲ جفت	۱۰۰۰	۲۰۰۰	لوازم التحریر	-	-	-
روسری	۲ عدد	۲۰۰	۴۰۰	ز- ایاب و دهاب	-	-	-
چادر نماز چیت	۲ عدد	۸۰۰	۱۶۰۰	معمشرب و مسافری تقریبی	-	-	-
فوزندان	دو عدد	۲۵۰۰	۵۰۰۰	ایاب و دهاب روزانه (۴ بلیط دورانی برای خانوار)	-	-	-
کت و شلوار (هریک ۱ عدد)	۴ عدد	۶۰۰	۲۴۰۰	دید و بازدید خانوار از دوستان و بستگان (ماهی یکبار)	-	-	-
یک عدد درمال	۴ عدد	۸۰	۳۲۰	مسافرت خانواده به محل زادگاه خود (سالانه یکبار)	-	-	-
پیراهن (هریک ۲ عدد درمال)	۴ عدد	۲۵۰	۱۰۰۰	زیارت ماهیانه یکبار	-	-	-
زیرپیراهن (. . .)	۶ جفت	۴۰	۲۴۰	ح: د خانبات (روزانه)	۱۸۲۵	-	۱۸۲۵
زیرشلوار (. . .)	۲ عدد	۵۰۰	۱۰۰۰	سبک رانشو	-	-	-
جوراب (هریک ۳ جفت درمال)	۲ جفت	۸۰۰	۱۶۰۰	جمع کل (حدافل هزینه زندگی سالیانه خانوار کارگری)	-	-	۳۰۲۷۲۱
پلوزیشی (هریک ۱ عدد درمال)	۲ جفت	۲۰۰۰	۴۰۰۰	حدافل هزینه زندگی خانوار کارگری (ریال)	-	-	۸۳۲ = ۳۰۲۷۲۱ ÷ ۳۶۵
کفش (هریک ۱ عدد درمال)	۲ جفت	۲۰۰۰	۴۰۰۰	حدافل دستمزد روزانه کارگر (براساس حدافل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری)	-	-	۸۳۲ ریال
پالتو (هریک ۱ عدد درمال)	۲ جفت	۲۰۰۰	۴۰۰۰	حدافل دستمزد ماهیانه کارگر (براساس حدافل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگری)	-	-	۲۵۳۱۰ = ۸۳۲ × ۳۰ ریال
دریکسالی (نیم)	یک اطاق	۸۰۰	۸۰۰	حدافل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگر (براساس حدافل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگری)	-	-	۲۵۳۱۰ ریال
چ- مسکن و اثاث منزل و آب و برق و سوخت	اجاره ماهیانه	-	-	-	-	-	-
یک اطاق و پستول برای استفاده تمام آنها)	ماهیانه	-	-	-	-	-	-
با آتشخانه	ماهیانه	-	-	-	-	-	-
اثاثیه منزل	ماهیانه	-	-	-	-	-	-

همانطور که ملاحظه میکنید حداقل مزدی که کارگر بتواند با آن زندگی کند (البته این جدول نشان میدهد که سرمایه داری چه در زمان شاه و در حال حاضر چگونه زندگی ای را بسرای کارگران برسمیت شناخته است) مساوی ۸۳۲ ریال در روز است و اگر در نظر داشته باشیم که حداقل از زمان و شبیه این آمار تاکنون قیمتها ۲۵٪ بالا رفته است، این حداقل زندگی امروز با ۱۰۴۰ ریال امکان پذیر است. ۱۰۴۰ ریال را مقایسه کنید با ۵۷۶ ریال (که تازه همه جا پرداخت نمیشود) آنوقت ذات بورژوازی و ضد کارگری " شورای انقلاب" را خواهید دید. آنوقت خواهید دید که اینان ماهیت بورژوازی خود را در پرده ای از پدربناسی به مردم (بخوان دیدگاه جوانان گله ای) پوئانده اند و سرکار کارگران منت میگذارند که ما حقوق شما را دوبرابر کردیم و ... چگونه در عمل و حتی در حرف زدن و تبلیغات همان سیاست بورژوازی رژیم گذشته را دارند!

آری، کارگران به این دلیل ساده که مزد آنان کمتر از آن است که بتوانند با آن زندگی حداقل داشته باشند بر علیه سرمایه داران مبارزه میکنند (تفاوت ۵۷۶ ریال با ۱۰۴۰ ریال خود منطبق ساده اما برابری است) و شورای انقلاب نیز درست به این دلیل ساده که علی بنیم هر رنگ و لعاب مذهبی و انسان دوستی که بر چهره زند، از درک رنج و خواست کارگران عاجز است، آنان را تهدید میکند!

اما تهدید "کارگران بیکار" که برای کار، "حق بیمه بیکاری"، داشتن محصل، تشکیلات و ... مبارزه میکنند بمراسب از "تهدید" کارگران شاغل، ارتجاعی تر است و به بهترین وجهی سیمای "مستضعف" دوستان را نشان میدهد. از نظر این آقایان حقوق ساواکیها باید پرداخت شود، حقوقهای کلان مدیرکل ها و روسای بزرگ رژیم شاه باید پرداخت شود، غرامت به سرمایه داران خارجی نباید پرداخت شود، حق سرمایه داران بزرگ وابسته و داخلی (منهای فاسدترین و تنبه - کارترین آنان نظیر دربار و نزدیکان آن) محفوظ است ... اما کارگر بیکار حق ندارد برای نجات از گرسنگی مبارزه کند!! رفقای کارگر!

کارگران شاغل و کارگران بیکار!

خود بیرون بیاندازید، و آنرا واقعاً ملی کنید، اکنون درست از جانب کسانی که همه تمام سرمایه داری وابسته را حفظ کرده اند و اخیراً آنرا با قانون اساسی جدید رسمیت نیز بخشیده اند، در معرض حمله قرار گرفته - اید، تنها از طریق تشکل و اتحاد با یکدیگر و بهره از هرگونه برخورد های حساب نشده

حدافل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری (ریال) = ۸۳۲ = ۳۰۲۷۲۱ ÷ ۳۶۵

حدافل دستمزد روزانه کارگر (براساس حدافل هزینه زندگی روزانه خانوار کارگری) = ۸۳۲ ریال

حدافل دستمزد ماهیانه کارگر (براساس حدافل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگری) = ۲۵۳۱۰ ریال

حدافل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگر (براساس حدافل هزینه زندگی ماهیانه خانوار کارگری) = ۲۵۳۱۰ ریال

و نسنجیده نمیتوانید در پی خواسته های برجعی صنعتی و سیاسی خود نه پیش بروید!

خود بیرون بیاندازید، و آنرا واقعاً ملی کنید، اکنون درست از جانب کسانی که همه تمام سرمایه داری وابسته را حفظ کرده اند و اخیراً آنرا با قانون اساسی جدید رسمیت نیز بخشیده اند، در معرض حمله قرار گرفته - اید، تنها از طریق تشکل و اتحاد با یکدیگر و بهره از هرگونه برخورد های حساب نشده



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بقیه از صفحه ۲

امیرالایم آمریکا ...

شوراه، توسط امیرالایم آمریکا و بوکر حیره حواری، شاه فراری در خدمت مائین عظیم حکمی آمریکا قرار گرفته و سوارات افزایش قیمت نفت، سهم بیشتر از آن، اختصاصی به امور نفتی ما یافته است. مثلا در سال ۱۳۵۴ هیرمان با افزایش قیمت نفت توسط کشورهای مادر کسده نفت (اوبک) که به پنج برابر قیمت قبلی رسد و درآمد ایران بطور ناگهانی چند برابر شد، سوارات آن با چنین بولیا - سی طرفیت خرید طلحه سیر افزایش سرمایه - آوری پیدا کرد. بطوریکه در همان سال، سودده دفاعی کشور نسبت به سال قبل ۱۴۱ درصد فزونی گرفت!

فروتنی طلحه و مهمات از جانب منابع نظامی آمریکا به ایران که در نظر شخصی شاه انجام می گرفت، مبالغ عظیمی نیز بصورت حق دلالی و رشوه نصب شاه و خاندان سنگین او و امثال طوفا نسیان حاصل می نمود. مردم محروم و ستم دیده ایران میبایست بول این رشوها و حق دلالی شاه را نیز بپردازند، چرا که فروشندگان آمریکائی این بولیا را نیز بخرند. قیمت های رسمی تجهیزات نظامی میافزودند. شاه هزارتاه سعی میکرد این انهماک را از خود دور نموده و متوجه بعضی از امرای لشکری و کشوری بشمارد و گاه حتی تعدادی از آنها را به همین دلیل محاکمه می کشید. محاکمه فرمانده نیروی دریائی در سال ۱۳۵۵ و بنا فرمانده ژاندارمری در سال ۱۳۵۲ از اسن جمله اند. در جریان تحقيقات کنگره آمریکا در سال ۱۳۵۵ که برای بررسی در زبدهای آشکار در معاملات طلحه تشکیل شده بود، فاش شد که افراد بسیار مهمتری در اسکونه فعالیتها شرکت داشته اند، مثلا معلوم شد که شهرا م پسر اشرف و همچنین خانمی فرمانده نیروی هوائی هر دو دلال کمپانی نور تروپ بوده اند که از این طریق مبالغ هنگفتی نصیبشان شده است. بیشترین خریدهای نیروی هوائی - اختصاصی داشت که خارج آن تا سال ۱۳۵۵ به ۱۱/۸ میلیارد دلار بالغ شده است. رژیم شاه در اواخر سال ۱۳۵۶ تعداد بیک قلمم ۲۹۰ فروند هواپیمای اف - ۴ (فانتوم) ۱۶۰۰ فروند اف - ۱۶، ۸۰ فروند اف - ۱۴ و ۳۳ فروند اف - ۵ ساخت داد که میبایست طی دو سال تحویل ایران گردد. طی همین سال مبلغ فروش طلحه آمریکائی به ایران رقم نجومی ۵/۵ ملیار دلار بوده است. لازم بذکر است که این خریدهها تقریباً ۱/۵ برابر قیمت بین المللی برای ماتام میشده است. مثلا هوا - پیمای اف - ۱۴ که توسط کمپانیهای آمریکا - شی به قیمت ۱۰۰ میلیون فرانک به نیروی دریائی آمریکا فروخته میشد، در همان زمان (با در نظر گرفتن اینکه اجناس صادراتی)

معمولاً ارزاتر است) به قیمت ۱۵۰ میلیون فرانک در اختیار ایران قرار میگرفت. در گزارش کنگسه سای خارجی آمریکا در سال ۱۳۵۵ گفته شده است که شهپادر طی سالهای ۵۵ - ۱۳۵۱ مبلغ کل فروش طلحه به ایران بالغ بر ۱۰/۴ میلیارد دلار بوده است. اس ارتام سرمایه آورتنها به خرید طلحه از آمریکا مربوط میشود. طی اسن سالها سبل طلحه از کشور های امیرالایستی دیگر نیز از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان

جهنمی اش در خدمت به امیرالایم آمریکا و سرکوب خلقهای ایران و منطقه، خلقهای ستم دیده ایران را هرچه بیشتر متقا عدمیکند که بدون دگرگونی اساسی وریشهای در ارتش، کاری که در دیگر زمینه های اقتصادی و فرهنگی نیز باید تحقق پذیرد، هیچ حرفی از قطع سلطه و نفوذ امیرالایم آمریکا نمیتواند در میان باشد. بدیهی است ارتداد شاه خاشن و محاکمه او در ایران که خواست عموم ملت ایران است حقایق بشمارای را در رابطه با

بدون دگرگونی اساسی وریشهای در ارتش، هیچ حرفی از قطع سلطه و نفوذ امیرالایم آمریکا نمی تواند در میان باشد.

نوکران بومی امیرالایستها در درون ارتش و در لباس ارتش جمهوری اسلامی، کماکان مشغول انجام "وظیفه" می باشند.

و ... به کشور ما - در مقابل غارت نفت - جریان داشته است. کماکان نمیتوان بدون فروش طلحه انگلستان به ایران راهی سال ۱۳۵۷ در نظر آوریم که طبق ادعای خود انگلیسها، ایران بزرگترین مشتری منابع نظامی امیرالایم انگلستان بوده است (روزنامه تایمز لندن "ماه مه" ۱۳۵۷). بطوریکه طی همان سال ۶۰ درصد صادرات طلحه انگلستان به ایران فروخته شده است.

همانطور که در بالا گفته شد، جریان سبل آسای طلحه و مهمات جنگی بایران، همراه بوده است با حضور خیل جاسوسان امیرالایم که تحت عناوین کارشناس و مستشار نظامی در ایران فعالیت میکردند. بطوریکه در سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۵۰ هزار کاردانشی آمریکائی، همراه با خانواده هایشان در ایران اقامت داشتند. اینهمه علاوه بر آن نوکران بومی امیرالایستها در درون ارتش است که هم اکنون نیز در لباس ارتش جمهوری اسلامی، مشغول انجام "وظیفه" میباشند. طی سالهای گذشته امیرالایم آمریکا از طریق ژاندارمری منطقه ای خود، رژیم شاه، نه تنها کوچکترین ندای آزادیخواهی را در درون کشور در گلو خفه نمینمود، بلکه در سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه نیز مستقیماً شرکت داشت.

برسبل هوای آمریکا، مستقردر ایران همراه با همقطاران ایرانیان در جریان جنگ کردستان عراق و همچنین تهاجم و جنبانه به ظفار شرکت مستقیم داشته است. رژیم شاه با فرستادن طلحه و مهمات به رژیمهای ارتجاعی و مدخلقی ویتنام جنوبی، اردن، مراکش، سومالی و یمن شمالی که همگی به قیمت فقر و محرومیت خلقهای ایران، در خدمت منافع اربابان امیرالایستش صورت میگرفت. وظیفه ژاندارمری خود را بوسیله ایفا میکرده است. شناخت هرچه بیشتر از چگونگی و عملکرد ارتش شاهنشاهی در طی سالهای گذشته و نقش

اشکال مختلف وابستگی ایران به آمریکا، نشان خواهد داد. اما مسئله این است که شونده های ما شاهد بوده اند که هیئت خاکمسه فعلی در عرض ۹ ماه اخیر حاضر نشده اسراری را که پیش خود دارد برای خلق افشا سازد و حتی هنوز محتوای قرارداد دوجانبه نظامی ایران را آمریکا نیز سر ملا نشده است.

در حال حاضر کسانی که شنیرنام ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی و اسد ام کس چند از زمردهای شاخه شده امیرالایم را در ارتش کماقی دانسته و کسانی را که خواهان دگرگونی اساسی در نظام ارتش ایران هستند، آماج حملات خود قرار میدهند، کسانی که فرماندهان مزدور شاه و امیرالایم را نظیر شاکر، فلاخی و ... به کار گماشته اند و عناصری نظیر چمران این چهره شناخته شده و حامی امیرالایم آمریکا را در رأس ارتش قرار داده اند، کسانی که حتی یک فرمانده ارتشی را بجرم کشتار خلق عمان (ظفار) به محاکمه نکتیده اند و سرعکس آنها ترا همچنان بخدمت کمارده اند و ... دانسته یا ندانسته راه خیانت به خلق را سرگزیده و آب به آسباب امیرالایستها میریزند.

اکنون که خلق قهرمان ایران یکبارچه خواهان استرداد شاه خاشن میباشند، برخی محافل حاکم سعی دارند آگاهانه این امر را چنان بزرگ نمابند که مسئله اصلی، یعنی امیرالایم جنایتکار آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران، تا حد امکان از دید توده ها پوشیده بماند. بدیهی است که خلقهای ایران که بدرستی دشمن اصلی خود را امیرالایم آمریکا تشخیص داده اند، دیگر اجازه نخواهند داد تا زبر شاهرهای ضدامر - یکائی، مسئله وابستگی های اقتصادی، نظامی و فرهنگی کم رنگ شده و از تعرض شونده ها در امان بماند. قطع کامل سلطه و نفوذ امیرالایم آمریکا! اینست محور اساسی خواستهای خلق. اینست استقلال واقعی!

همهٔ قراردادهای اسارت آور امیرالایستی باید لغو گردد!

بقيه از صفحه ۲

رفرانندوم ...

اساسی به چنین خواسته‌هایی پاسخ نمی‌دهد.

- زحمتکشان مادر این مرحله از حیات اجتماعی خویش، خواستار محدود شدن مالکیت بزرگ هستند، اما قانون اساسی بنا بر بنای "مالکیت" مشروع و مشروط راه را، هم برای غارت سرمایه‌داران خارجی و هم سرمایه‌داران بزرگ داخلی باز گذاشته است.

- کارگران خواستار حق اعتصاب، ۴۰ ساعت کار در هفته و... هستند اما قانون اساسی چنین حقی را برسمیت نشناخته است.

زمین برای دهقانان اعم از زمین‌های کوچکی که دهقانان روی آن کار میکنند. و با زمین‌های مالکان بزرگ که نباید تقسیم شود، بلکه با بستی توسط شوراها و دهقانی اداره گردد، و کار برای بیکاران و با "حق بیمه‌کاری" تدبیر معنی‌کس دولت موظف است یا کار بیکاران بدهد و یا "حق بیمه‌کاری" پرداخت نماید... بیکاری مردم قانون اساسی اخیر برسمیت شناخته نشده است.

- آموزش اجباری و رایگان برای نوجوانان، بهداشت و درمان، محاسنی برای همه افراد ملت، از جمله حقوق مسلم خلق ما است که قانون اساسی آنها را زیر پا گذاشته است.

بنا بر این ملاحظه میکنیم که این قانون اساسی به خواست خلقهای ما پاسخ نمیدهد و تحریک است برای زحمتکشان. این قانون در واقع دهن کجی میوه چینیان انقلاب

رفقا! هواداران!

مادرانتشار پیکار، از نقطه نظر بالابردن تیراژ آن با اشکالات جدی مواجه هستیم، همین امر باعث شده که ما نتوانیم پیکار را با اندازه مورد نیاز تکثیر کرده و در اختیار رگلبه رفقا و خوانندگان بگذاریم. بهمین علت از آغاز تنها کمترین تعداد مکرر - تیک هیئت حاکمه، یعنی از شهر یور ماه تاکنون پیکار بطور مرتب بدست رفقای هوادار و دیگر خوانندگان نرسیده است و غالباً رفقا مجبورند که آزاد دست بدست بگردانند و مسلماً چنین وضعی باعث گردیده که پیکار

و امثال بهشتی‌ها به مردم ستم‌دیده ما ست، و جز این نیز نمی‌توانست باشد، چرا که طبقه کارگر را بتظناری جز این از بورژوازی و خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتری ندارد. بنا بر دلایل فوق و دلایل مشروح تری که قبل از این نیز، در پیکار بر بیان پرداخته - ایم، و از آنجا که چنین قانونی را توهین بخلق خود میدانیم و معتقدیم که این قانون خون ۷۰ هزار شهید و یکصد هزار زخمی را که خلق ما در

گشت و توده‌هایی که امروز بساها بی‌بوی و تبلیغات گسترده رادیو و تلویزیون و تبلیغات منبری‌ها و فتوای مراجع و حتی تهدیدهای ضمنی و غیره و غیره بساها صندوق‌ها کشیده میشوند، فردا میوه چینیان انقلاب و انحطاط طلبان قشری و حامیان امپریالیسم را که چنین قانونی را بخورد آنان می - دهند به محاکمه خواهند کشید. آنها از همین امروز جای چنین عملی را

● قانون اساسی ای که بهیچوجه با خروش ضد امپریالیستی خلق ما و پیکار آنان بر علیه امپریالیسم آمریکا تطابق ندارد، به رفراندوم گذاشته شد.

جریان انقلاب تا تمام خود، در آستانه انقلاب دموکراتیک وضد امپریالیستی اش قربانی کرده است، پایمال میکند، و همچنین به این دلیل که نحوه تشکیل این مجلس را که با زیر پا گذاشتن قول مجلس موسسان، و تقلب و عوام‌فریبی و اعمال نظرها "حزب جمهوری اسلامی" و شرکا، آن همراه بود - موضوعی که با مدرک و سند و در زمان خود از جانب نیروهای راستین کمونیست و نیروهای انقلابی دیگر به پیشگاه خلق ارائه گردید - قبول نداشتیم، شرکت در رفراندوم را تحریم کردیم و در طی اعلامیه ۵۸/۹/۶ بطور مشروح آنرا به اطلاع خلق رساندیم.

رفرانندوم در چه شرایطی برگزار می‌گردد؟

ممکن است هیئت حاکمه از اینکه توانسته است با سو، استفاده از احساسات مذهبی اکثریت توده‌ها و همچنین سو، استفاده از شور و سیخ آنها بر علیه امپریالیسم آمریکا تعداد بیشتری را به پای صندوق‌ها بکشد، تا به محصول "خبرگان" وی رای مثبت دهند، خوشحال باشد.

اما این خوشحالی در آینده‌ای نه چندان دور به ضد خود بدل خواهد

باز گذاشته اند! اکثریت آنها منطق ساده و در عین حال با معنای برای رای دادن دارند، آنها میگویند ما فقط به "اعتبار امام خمینی" و "خواستار او" و "بخاطر او" رای میدهیم. آری آنان با این استدلال خود در عین حال که توهیم خود را نسبت به رهبری مذهبی نشان میدهند و ملی مرز بندی خود را با میوه چینی که خبرگان را می - چرخاندند نیز نشان میدهند، آنها صاف و ساده‌بی اعتمادی خود را به "خبرگان" اعلام میدارند. آنها بسیاری اوقات بدرستی عنوان میکنند که از محتوای قانون خبری ندارند... بنا بر این سمت گیری فعلی خویش را که بر اساس بی - اعتمادی به امثال بهشتی‌هاست، با صراحت بیان میکنند، به بیان دیگر معنای سخن توده‌ها آنست که آنان یکی یکی افراد و نمابندگا نی را که بقدرت خریده‌اند، با این خواهند کشید، همچنان که با زرگان و بزدی و... را بزیر کشیدند. هر چند که این افراد مورد حمایت آیت‌الله خمینی باشند. و این بیان ساده‌آن واقعیتی است که امروز در عرصه مبارزه طبقاتی جامعه ما در گذراست.

ادامه دارد...

را در اینکاریا ری رسانید. پیشنهاد - اتی که ما در این مورد داریم:

۱ - از هر طریق که میتوانید امکانات چاپی و تکثیر خود را با ما در میان بگذارید تا با رهنمودهای لازم جداگانه استفاده از این امکانات بعمل آید.

۲ - هسته‌ها و سلولهای انتشاراتی ایجا د کنید و از این طریق چه بیکار روچه اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان را تکثیر کنید.

پیروز باشید

درخواست از هواداران

بر دلایلی که در این شماره با شما توضیح داده شد که این اشکالات به امر تبلیغ و ترویج مدارس گسترده توده‌ای لطفاً جدی میزند. اما مسلماً این کار راه‌حلی نیستی دارد که در این آنجا کمک و یاری رفقای هوادار قرار دارد.

رفقا! ما بدون کمک و یاری شما نمیتوانیم تیراژ پیکار را با لا بريم بنا بر این از هر طریق که میتوانید ما

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

اقدام انقلابی کارگران کارخانه آلیاژ اراک

با آغاز فصل سرما که کار ساختمانی را کند می‌کند، کارفرمای ضدکارگران کارخانه آلیاژ اراک میخواست عده‌ای از کارگران موقت کارخانه را اخراج کند. ولی این توطئه با مخالفت متحدانه کارگران مبارز این کارخانه، عملاً خنثی می‌گردد. ولی کارفرما دست به حیلۀ کثیف دیگری می‌زند. بدین ترتیب که در شب دوشنبه (۲۱ آبان) بعد از تعطیل شدن کارخانه، کارفرما دستگاها و وسایل حماسی و گرانبه کارخانه را بایک تریلی از کارخانه خارج می‌کند تا بدینوسیله کارگران را در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار دهد. ولی در همان شب شورای کارخانه از موضوعها خبر شده و بطور فعال درجاده‌های اطراف و داخل شهر دنبال تریلی (حامل وسایل کارخانه) می‌گردند که بالاخره آنرا پیدا کرده و راننده را مجبور می‌کنند وسایل کار را به کارخانه برگرداند. صبح روز بعد که همه کارگران از موضوع باخبر می‌شوند از بس دزدی و قبحانه کارفرما بدت عصیان شده و برای جلوگیری از دستبرد کارفرما در شبهای بعد بطور روتینی ۵ نفر از کارگران برای حفاظت دستگاها و کارخانه کشیک می‌دهند. بعد از این پیروزی کارگران، کارفرما بدست و پا افتاده و در مذاکراتی که با شوری کارخانه داشته، در مقابل فشار کارگران قبول می‌کند که حق اخراج و استخدام معده شوری کارخانه باشد.

با چنین نمونه‌هایی کارگران خودشانند که چگونه کارفرمایان به توطئه می‌زنند اما زمانیکه "شورای انقلاب" بر علیه کارگران مبارز و بیکاران منتحن‌الدرم، بالدرم راه می‌اندازد، از آنجا که حافظ منافع سرمایه‌داران است این گونه اعمال سرمایه‌داران را نمی‌تواند ببیند:

**مهمترین سلاح طبقه کارگر
در مبارزه اش علیه
سرمایه‌دار،
سازماندهی
و تشکیلات است!**

در کارخانه دکتر عبیدی چه می‌گذرد؟

در شماره ۳۰ "پیکار" شرح کامل جریان اخراج حدود صد کارگر از کارخانه داروسازی عبیدی آورده شد. در اینجا توجه خوانندگان را به اعلامیه‌ای که کارگران از کارگران منتشر نموده‌اند جلب می‌کنیم. ولی قبل از آن توضیح اشتباهی را که در گزارش قبلی رخ داده است ضروری می‌بینیم. اشتباه این بود که در اوایل گزارش "تجمع کارگران کارخانه دکتر عبیدی" آمده است: "در این موقع نماینده کارگران به میان کارگران آمد و گفت: ... در حالیکه صحبت‌های این بوده است که "در این موقع نماینده حزب جمع‌وری اسلامی به میان کارگران آمد و... با پوشش از خود اندگان و عزیز و همچنین کارگران شوری متحد، اعلامیه کارگران اخراجی داروسازی عبیدی را ملاحظه می‌کنید:

بنام خدا و ندر در هم کوبیده ستمگران
"در کارخانه عبیدی چه می‌گذرد"
خواهران و برادران کارگر: همانطور که همه شما می‌دانید در روز شنبه ۵۸/۸/۱۲ توسط راننده‌های سرویسها در موقع بازگشت از کارخانه اعلامیه‌ای خواننده در مجموع متن این اعلامیه بصورت زیر بوده است:

"همه کارگران بخاطر تهمین کارخانه به مدت ۳ روز تعطیل می‌باشند ولی بعد از این تعطیلی به خدمت کما نیکه از ۱۵ مرداد استخدام شده‌اند، خاتمه داده می‌شود. این عده با تعیین وقت قبلی برای تسویه حساب مراجعه نمایند." کارگران عزیزها منظور که همه ما بخوبی میدانیم ما نقش زیادی در انقلاب داشتیم و خیلی از ما علاوه بر تحمل مشکلات بیکاری و غیره، عده زیادی از ما جوانان خود را از دست داده‌ایم، ولی تمام این ناراحتی‌ها را بادل و جان قبول

کردیم، چون امیدوار بودیم که بعد از انقلاب دارای زندگی بهتری خواهیم شد. ولی کارگران ما عملاً در کارخانه‌ای که در آن کار می‌کنیم شاگردان هستیم که کارفرمای ما با اخراج بیش از یکصد نفر از کارگران اداره حق ما را لگدمال می‌کند. چون همانطور که همه ما میدانیم یک کارگر وقتیکه از کارخانه اخراج می‌شود یعنی اینکه زندگیش نا بود می‌شود، چون غیر از نیروی با زوی خود که مجبور است بطور روزانه کار کند هیچ ذخیره دیگری نداریم و از طرف دیگر اینکار باعث می‌شود که به سبب بیکاری آنجا معاف از زود شود.

در ضمن این را بگوئیم که کارفرما برای رسیدن به این هدف خود را از نا آگاهی عده‌ای از کارگران سوء استفاده می‌کند، به این صورت که ما را بجان همدیگر انداخته و اینطور تصور می‌نمایند که ما اگر اخراج شویم بقیه وضعیتشان بهبود خواهد یافت.

ولی کارگران، ما باید هوشیار باشیم که هر چند شما امروز دارای کار هستید ولی چه بسا ممکن است همین کارفرما فردا شما را هم اخراج نماید. بخاطر همین ما از تمام کارگران می‌خواهیم که با ما همداشته و همکاران نمایند که ما دوباره سرکار برگردیم.

برادران و خواهران کارگر برای اینکه بتوانیم مشکلات خود را در کارخانه حل نموده و از اخراج بی دلیل کارگران جلوگیری نماییم احتیاج به یک شورای واقعی کارگری داریم که بتواند در مقابل این مشکلات از ما دفاع نماید.

کارگران اخراجی
لابراتوار داروسازی دکتر عبیدی

استاندار گیلان: "لعنت بر این انقلاب!"

کنیم. ما که همه‌اش غرق در خاک و کثافت هستیم تا شهرات تمیز نگهداریم. ما که ساعت ۳/۵ صبح مشغول کار می‌شویم ولی قدرت خرید مقداری میوه برای فرزندانمان نداریم... استاندار گیلان در مصاحبه‌ای تهدید کرده است در صورتیکه سرکار برگردند از دیپلمه‌های بیکار استفاده خواهد شد. ولی پاسخ کارگران زحمتمکن به استاندار اینست که این جوانان آگاه که دولت بهشان مارک خدا نقاب زده است تا ما را زنی برند، بلکه بکرم ما می‌تابند. کارگران خواهشهای خود را طی یک قطعنامه ماده‌ای اعلام کرده‌اند.

کارگران خدمات شهری و پارکی می‌آیدین و دایره موتوری شهرداری رشت که حدود ۸۰۰ نفر می‌باشند بخاطر عدم دریافت کمک هزینه به استانداری رفته و در آنجا متحن شده‌اند در تاریخ ۵۸/۸/۲۷ نماینده آنان به استنادار می‌گوید که ما انقلاب کردیم که بستانه خداتل خواهانهای خود برسیم، استاندار خدا انقلابی با کمال وقاحت و بیشرمی می‌گوید: "لعنت بر این انقلاب" نماینده کارگران جواب می‌گوید: "لعنت بر خودت و جدو آبادت، چرا می‌گویی لعنت بر انقلاب، بخاطر اینکه در اثر آن ما توانسته‌ایم لاقطل فریادمان را بلند

گرامی باد ۱۶ آذر روزیست که جنبش دانشجویان و مبارزات رمانجش خلق



گرامی باد خاطره سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان

باشیز اسامی مصادفات با سالگرد شهادت ۱۵ رفیق زشدهای قهرمان بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران (س.م.خ.ا.) این رفقا که در دوران سراپا خفقان گذشته، در دورانی که شلاقهای دیکتاتوری بورژوازی وابسته ضربات خونین خود را بر پیکر مجروح خلقهای زحمتکش ما فرو میآورد، در دورانی که شاه این دست نشانده امپریالیسم جنایت کار آمریکا می پنداشت که ایران را بصورت جزیره شتاب و بهشت غارتگران بین المللی درآورده است، در دورانی که تنها انقلابیون راستین میتوانستند سقوط رژیم و بیسروزی نهائی خلق را درک کنند و تسلیم نشوند، آری این رفقا در آن دوران سیاه همه توان مبارز-اتی خود را در کفه اخلاص نهادند و امیدوی جز قطع کامل سلطه امپریالیسم، و از گونی رژیم وابسته شاه و بیروزی زحمتکشان در سر نداشتند. آنها با در کوجه و غیابان آسماج رنگبار مسلسل های مزدوران تده، یاد زبیر شکجه های دژخیمان ساواک جان داده و سرود

تعبیلات غیر اصولی حماس بود و با آن مبارزه میکرد.

رفیق سحان الهی در باشیز سال ۵۴ در سر قرار رابط یک گروه مبارز مذهبی در خیابان هدایت تهران لورفت. دژخیمان پهلوی خیر دستگیری و شهادت رفیق را مسکوت گذاشتند. رفیق با خیال زبا دین از دستگیری در زیر شکنجه های سبعانه ساواک بی شهادت رسیده است.

آزادی خلق را سردادند

با یاد این رفقای دلیر، دژبیر بر خلقی که چنین فرزندان بی آورد و خود سرانجام با مبارزه و قیام دلاورانه خویش تجربه ای تازه در مقاومت خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و نمائین در تاریخ پدید آورد، سر تعظیم فرود میآوریم. مادر شماره های قتل یادنامه های چند رفیق شهید را که در باشیز به شهادت رسیده اند آوردم و اینک یاد می-کنیم از دیگر رفقای شهیدمان:



رفیق شهید

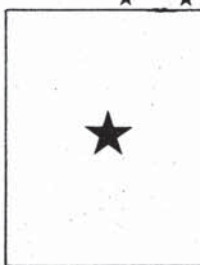
صادق
فرد نقوی
(مرتضی)

رفیق شهید صادق فرد نقوی (مرتضی) رفیق مرتضی درنا که کارگری بخش منشعب از سازمان مجاهدین فعالیت میکرد. در نیم آذر ماه سال ۵۵ که دژخیمان ساواک به دستبند و گتت وسع و خاند کردی دستبند شده بودند خیال خویش با ارسن بودن سروانی انقلابی حکومت یونانی مدخلی خود را حاد و اید اکنند رفیق همچون بسیاری از نیروهای رزمده آن روزها به اسارت پلیس افساد و دژبیر شکجه جلادان ساواک به شهادت رسید. رژیم حیرت از او اعلام نکرد. یاد رفیق صادق نقوی در دل توده های زحمتکش ما همواره باقی است.



رفیق شهید
هاشم
وشیق پور
(لطیفی)

خامه ها به ایدئولوژی ایدئو کارگر گراشد. رفیق درنا که کارگری بخش منشعب از سازمان مجاهدین به فعالیت خود ادامه داد و در نتیجه و انتشار نشریه "قیام کارگر" سهم فعال داشت. در ۱۱ آذرماه سال ۵۴ پس از سالها مبارزه جانفانه در راه رهاشی خلق زحمتکش خویش به اسارت جلادان ساواک افتاد و در زیر شکنجه به شهادت رسید. رژیم از او خبری اعلام نکرد. یادش گرامی باد.



رفیق شهید
ابراهیم داور

رفیق شهید ابراهیم داور دانشجوی سابق دانشکده اقتصاد دهرستان بود و در بخش منشعب سازمان مجاهدین بسته مبارزه انقلابی خود ادامه میداد. در آذرماه ۵۴ بر سر قرارای که با یک گروه مبارز لو-رفته داشت از سوی آدکشان ساواک شناسائی و دستگیر شد و احتمالاً در زیر شکنجه به شهادت رسیده است. رژیم شاه خبری از او اعلام ننمود. یادش گرامی باد.



رفیق شهید
حسن
سحان الهی
(ستار)

را عملی ساخت و انقلابی با زکشت نوده ها را تخمین نمود و بهمن دلیل او در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین به بخش منشعب بیوست. رفیق سحان الهی از جمله رفقای بود که استتباط و درک عمیقی از اهمیت وجود یک تشکلات منضبط داشت و بدینوسیله مبارزه قاطع وسی-امان با دشمن را جز از طریق یک تشکلات منضبط امکان پذیر نمیدانست. در این رابطه بود که

رفیق شهید هاشم وشیق پور (لطیفی) رفیق در سال ۱۳۲۲ در خانواده ای نسبتاً فقیر در شهر قزوین متولد شد. پس از دوره ابتدایی تا گزیر شد ۳ سال ترک تحصیل کرد و به کار بپردازد و مخارج خود را تامین کند. دوره دبیرستان را (در عرض ۴ سال) شبانه سپایان برد و سرانجام از دانشکده پلی تکنیک در رشته برق فارغ التحصیل گشت. او با در و روح مجرمان، اختلافات طبقاتی و متمسکی که بر زحمتکشان در جامعه طبقاتی ما مبرود از نزدیک آشنا بود. کار، مطالعه، معاشرت و دمجوری با مستعدگان برای او درسیای زیاد داشت. درک طبقاتی و مطالعاتی که میگردد و راه مبارزه کنند و در نتیجه آشنائی با متاهد سید علی میرزا دوست و رفیق شهید محمدحاج نصیر با در سال ۴۷ به سازمان مجاهدین بیوست. با فرجه شیربور سال ۵۵ به این سازمان رفیق هفتی شد. رفیق ملی مبارزات انقلابی خویش سوزده کار در کار-

رفیق شهید حسن سحان الهی (ستار) رفیق دانشجوی سابق دانشکده فنی دانشگاه تبریز بود. او فعالیت تشکلاتی خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز کرد و جزو گروه های اولیه مجاهدین دستگیر شده بود که در سال ۵۵ دستگیر و همانند دیگر سرا دران مجاهد تحت شکنجه های حیوانی ساواک قرار گرفت. رفیق در زندان نیز به مبارزه خودبا رژیم ادامه داد و به بالا بردن آموزش و تجارب مبارزاتی خود پرداخت. پس از آزادی از زندان رفیق بلافاصله به رفقای همزیم خود بیوست و زندگی مخفی را آغاز کرد. گوشه نشینی رفیق همواره این بود که مسائل توده ها را عمیقتر درک کند تا بتواند خدمات بیشتری را در راه رهاشی آنها انجام دهد. در این راه او مادافانه بی برد که تنها در برنو آگاهی را اسما با ایدئولوژی طبقه کارگر است که میسوان رهاشی همه زحمتکشان و توده های خلق

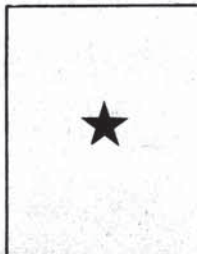
**کارکنان بانک پارس
از ارسال حواله ارز
به اسرائیل خودداری کردند .**

در تاریخ ۲۲ آبان اعلامیه‌ای از طرف شورا و سندیکای کارکنان بانک پارس انتشار یافته که در آن ضمن تاکید بر ضرورت تدابیر مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا یک عمل ارتجاعی معادرت قدرت را افشا میکنند. آنها در اعلامیه شان مینویسند: " اما چگونه انقلاب و اهداف انقلابی ملت به بازیچه گرفته میشود و دستوری از بانک مرکزی جهت ارسال حواله ارز به اسرائیل به بانک پارس صادر میشود. از جایی که اهرم سیاستهای بولی و مالی کشور توسط آن اداره میشود. چگونه میتوان چنین عملی را توجیه کرد. آیا فراموش میشود که اسرائیل غاصب سرزمین فلسطین و دشمن خلقهای تحت تسلیم جهان است آیا تصور نمیشود هنوزها دهاتی از مسئولین امور خواستار برگشت همان سیستم فعلی هستند. چگونه میتوان بازی کردن با خون هزاران شهیدسخون خفته خلق را توجیه کرد. مگر ما انقلاب نکردیم (تا) هر گونه رابطه با اسرائیل را اعم از (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) قطع کنیم. مگر انقلاب ماعصیان و مخالفت سرحد امپریالیسم آمریکا نبود. چرا وقتی هنوز زخمهای ناشی از سلطه امپریالیسم و ضمیمونسم بر بیکر این ملت الشتم ساخته دوباره به طریق موزرانسه سعی بر ارتباط با آنان میشود. " اعلامیه سپس با تحلیل از اقدام انقلابی " کارمند-ان ارز " بانک پارس و اشاره به اعتماد چند ساعه آنان که سرانجام منجر به آمدن چند نماینده از بانک مرکزی و دستور عسدم برداخت ارز میشود، بدین شکل پایان می یابد: " ما ضمن افشای این موضوع قویاً هشدار میدهم که از انجام چنین اعمالی با تمام قدرت خودداری مینمائیم ."



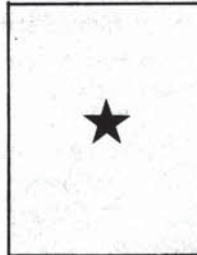
جان مبارزه گردد، همواره گرامی خواهیم بود.

★ ★ ★
خون این شهیدان عزیزو دیگر شهیدای خلق تا قطع سلطه کامل امپریالیسم، تا برقراری ایرانی مستقل، ازاد و دمکراتیک، تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، تا برپاشی حکومت کارگران و دهقانان که نیروهای مؤیده جامعه هستند، میجوشد. خون این شهیدانی است که ما در راه یک مبارزه آشتی ناپذیر با دشمنان خلق بگردن داریم، و درآدای آن کوچکترین تردیدی به خود راه نخواهیم داد.



**رفیق شهید
حوریه محسنیان
(صدیقه)**

سرنوشت خویش را خود بدست گیرد، به اسارت جلادان ساواک افتاد و در زیر شکنجه عمسال جیره خوار آمریکایه شهادت رسید. یادرفیق حوریه محسنیان که یکی از خیل زنان انقلابی میهن ماست همواره گرامی خواهد ماند .



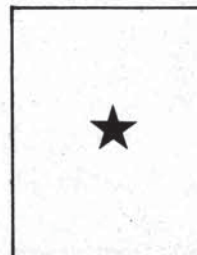
**رفیق شهید
فاطمه تیفکچی
(بهجت)**



**رفیق شهید
احمد
صادقی قهاره
(حسین)**

آمد محمی گردید و شما با درخند مبارزه خلق فرار گرفت. سر اساسی سرجی! طلاعات که در دست است در آذرماه ۵۶ به اسارت دژخیمان ساواک افتاد .

خبرهای بعدی نشان میداد که رفیق در زیر شکنجه جلادان ساواک شهادت رسیده است یاد این رفیق شهید که نایب جان به آرمان انقلابی زحمتکشان وفادار ماند و مبارزه کرد همیشه گرامی است .



**رفیق شهید
اکرم صادقیپور
(نسرین)**

یاد این رفیق شهیدنیز که از زنان انقلابی میهن ما بود و مدوش با اسارت دران و رفقای هم-رزم خویش در راه رهایی زحمتکشان، نایب

رفیق شهید حوریه محسنیان (صدیقه)
رفیق اهل مشهد و درآموزشگاه بهیاری اس-شهریار بود. در تابستان سال ۵۴، با احساس وظیفه‌ای که برای خود بعنوان یک روشنفکر انقلابی جهت مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه قائل بوده بخش منسحب از سازمان مجاهدین خلق ایران بیوست . رفیق در آذرماه ۵۵، پس از متجاوزازیک سال مبارزه دشوار در آن شرایط خفقان، و پس از آنکه تمام نیرو و توان خود را برای رهایی زحمتکشان میهن خود بکار برد و در حالی که امید داشت روزی رژیم شاه واژگون شود سلطه امپریالیستهای آمریکائی از جسدان زحمتکشان میهن ما بطور کامل قطع گردد و خلق

رفیق شهید فاطمه تیفکچی
رفیق دانشجوی رشته رشتت شناسایی دانشکده علوم تهران بود. او بعنوان یک روشنفکر انقلابی به بخش منسحب از سازمان مجاهدین بیوست. رفیق در گروه انتشاراتی سازمان فعالیت میکرد و در آذرماه ۵۵ طی یک درگیری مسلحانه به اسارت دژخیمان ساواک افتاد و در زیر شکنجه شهادت رسید . رژیم خونخوار شاه هرگز حسری از او منسحبر نکرد .

رفیق شهید احمد صادقی قهاره (حسین)
رفیق احمد در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده روحانی در شهرقم متولدشد. دوره تحصیلی را در حرم آگاهدرادو سین در دانشکده پزشکی تهران به تحصیل ادامه داد. رفیق که در سال ۴۲ خلیسرم سن کمی که داشت به فعالیت سیاسی آشنا شده بود با ورود به دانشکده به فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشجویی پرداخت. شروع جشنهای سنگ آلود ۲۵۰۰۰ مین سال فلطنست و او حکیری فعالیتهای ملتنامه خردرژیمی رفیق را از هواداران سازمان مجاهدین ساخت. او کتابخانه اسلامی دانشکده پزشکی را احیا کرد و آنرا بصورت کانونی فعال برای مبارزات دانشجویی و حمایت از سازمان مجاهدین درآورد. رفیق در سال ۵۴ ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را پذیرفت و در بهار سال ۵۵ با بخش منسحب از س.م.ج.ا. تماس گرفت و با توجه به اینکه فعالیتهايش برای دشمن لورفته بحساب می -

رفیق شهید اکرم صادقیپور (نسرین)
رفیق اکرم در سال ۵۳ پس از آزادی از زندان بصورت س.م.ج.ا. درآمد و پس از مدتی فعالیت علمی - مخفی، فعالیت مخفی خود را آغاز نمود. رفیق در شاخه کارگری سازمان فعالیت میکرد و در آذرماه سال ۵۵ که آدمکشان ساواک دسترزدترین شبکه پلیسی خود را برای تکرار انقلابیون بوجود آورده بود - ند، در حالیکه برای تخلیه یک خانه تیمی (قبلا لو رفته) در رابطه کریم مراجعه کرده بود مورد جمله انجادی ساواک ویرجسی عناصر فریب خورده قرارگرفت و دست به خود کشی زد .

اکنون دیگر کار در "ساواک" خیانت نیست!!

امروز گذشته از اینکه بسیاری از انجمنهای اسلامی در ادارات، موسسات دولتی، کارخانجات، مراکز آموزشی و... قریب الی الله کار ساواک را انجام داده و عناصر مبارزان را بیدار و بیدار می (به خصوص کمونیستها) شناسایی می کنند، هیئت حاکمه نیز برخلاف روزه های اول پس از قیام (که امیر انتظام در مصاحبه های خود خیرا ز - سازی ساواک را میداد) بدور از "حار و حمال" دوباره دار ساواک را سرو سامان میدهد! بطوریکه در بعضی ادارات و موسسات دولتی واحد جفا طلب با نام "واحد حراست" شروع بکار کرده است. خبررسانی نمونه دیگری است از راز سازی ساواک.

مدنی قبل سبکی از گبهانان ساواک محله نفس شده و او را خواسته میشود که با نقبه خدمت خود را در ساواک باز خرید کرده و باز نشسته شود، که در این صورت حقوق ماهانه ۱۵۰۰ تومان بوی داده خواهد شد، یا اینکه محدوداً خدمت برگردد. در ضمن به او گفته میشود: "اکنون دیگر مثل سابق کار شما خیانت نیست، بلکه در صورت موافقت در راه خدا و مردم فعالیت خواهید کرد!"

تحصن سپاهیان در بندرانزلی

سپاهیان دانش منقذی خدمت متحصن در اداره آموزش و پرورش بندرانزلی در رابطه با خواسته هایشان که بعلت احقاق آنها به تحصن دست زده اند، اعلامیه شماره یک خود را منتشر کرده اند که متن کامل آنرا در زیر ملاحظه میکنید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعلامیه شماره ۱

ان الله لا یغفر و ما یؤمنا حتی ینقر و ما یأنسهم به، بیتی که خدا سر نوشت نویی را تغییر نین دهد مگر آنکه آن قوم با خرد و بوجد مردم مبارز و آئمه اولی ما سپاهیان دانش منقذی خدمت بندرانزلی در جهت پیشبرد و بشورسین انقلاب و تنفیذ ادوات، آموزش و پرورش شیروان به تحصن نوشته ایم زیرا تعدادی از سپاهیان (به تعداد ۴۱ نفر) جهت استخدام کادر آموزشی آموزگاری و دستهای این شهر با ضوابط نادرستی انتخاب شده اند. حال آنکه احتیاجات و دستهایان شهر ما بیشتر از اینها است. ما اعتراض نموده نسخه ای از نامه خود را بدینتر نامه و نسخه های دیگر را جهت اصلاح خدمت در سراسر کشور مثل دادپو و تفریق و بیوفات و سستی و سستی اموال رساندیم. از آنجائیکه بعد از عدم توانایی در پیشنهاد اتمان هیچ گونه جواب و تمسکی اصلی در بندت دیده و در تحصن عدا صورت گرفت اقدام به بستن اداره آموزش و پرورش به بندت نامعلوم نمودیم.

۱ - خواهان سپاهیان رسیدگی شود. حال تدریس حق و نا حق بودن خواهان با شماست خواهان بدین بدن شرح اند:

۱ - سبیه کشی که از ۲۵ سال بیشتر سابقه خدمت دارند باید باز نشسته شود تا از نیروی بدن و جبران استفاده گردد و از تورم بیکاری به اندازه قابل ملاحظه ای کاسته شود.

۲ - سپاهیان منقذی خدمت (پسر و دختر) این شهرستان باید هتاهنگ با شیروانهای دیگر استخدام شوند. یعنی استخدام دوره های سپاهی ضروری اندام میگرد که بیکاری دوسر اسر کشور از آن دوره ها شروع شده باشد.

۳ - از آنجائیکه اداره آموزش و پرورش بندرانزلی احتیاج به معلم بیشتر یعنی بیش از سهمیه ای که فرستاده شده (۴۱ نفر) دارد باید در تعداد سبیه نسبی تجدید نظر بعمل آید و تعداد آن افزوده گردد. تا اکثریت سپاهیان بدادیه شوند. سپاهیان دانش منقذی خدمت متحصن در اداره آموزش و پرورش بندرانزلی

تهدیدهای محتضرانه امپریالیسم امریکا

امریکا، بسم آمریکا، خلق های قهرمان ما را به مداخله نظامی در ایران تهدید میکند! سنار خوب! اما این غارتگران و جنایتکاران حرفه ای و بین المللی با بدداندگی خلقهای مبارز ما در سیای بحره مبارزات و پیروزی خلق ویتنام را بخوبی فرا گرفته اند. اگر ویتنام قهرمان شالیزارهای برنج را به گورستان تجا و زگران امپریالیسم آمریکا تبدیل نمود، مسیهای سازمان به همراه سایر خلقهای منطقه گورستانی به وسعت تمام منطقه خاور میانه برای امپریالیسم آمریکا و استعمار و همدستان داخلی اش تدارک دیده اند.

مرگ نر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران! نابودیا دیستمرما به داری وابسته به امپریالیسم در ایران! پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۹/۳-

شماره تراکت: ۹۲

مستحکم باد پیوند رزمجویانه خلقهای ایران و فلسطین

تکبر از سراز طرف سازمان ما بمناسبت روز جهانی همبستگی با فلسطین یا فلسطین خطاب به رهبری انقلاب فلسطین بخار شده است :

برادر یاسر عرفات فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین - بیروت
بمناسبت ۲۹ نوامبر روز جهانی همبستگی ما خلق فلسطین ، کمترتوی درودهای ما را بپذیرید ، روابط دیرینه سازمانی بیسن خلق های ایران و فلسطین در راه ما سودی مثلث نوم امیرالیم ، میونسیم ، ارتجاع امروز سراز هر زمان دیگر مستحکم است ، خلقهای شهروان ماضی سالها مبارزات سختی سایدنر خود از بنشمانی بیدرغ انقلاب فلسطین برخوردار بوده اند و امروز که حدود سه دستاورد های مهم در انقلاب دیکراتیک و خدا میرالیمتی ایران ناثل آمده و سراز جلو گیری از با شام دادن انقلاب و همبست ادامه آن ، مبارزه خود علیه امیرالیم امیرکارا اوج و عمق و ند بخشنده اند ، وظیفه خود میدانند که در کنار انقلاب فلسطین و با همبستگی حرجه عمیقتر با مبارزات خلق شما امر مبارزه ضد امیرالیمتی ، ضد - میونسیمی و مدارتجائی در سراسر منطقه را با نیروی بنیانی خلقهای ایران و عرب سکیرانه ادا نه دهند .

ما صص اعلام همبستگی مجدد :
- نوظنه جاسی را که علیه انقلاب فلسطین از سوی کارتر ، کسین ، سادات و ارتجاع عرب طرحریزی و بنیاده میشود محکوم میکنیم .
- تلاشهای رژیمانه ارتجاع را در اجاد تفرقه بین خلقهای لبنان و فلسطین محکوم کرده به چنین منترسانه لبیان که همراه شما و در یک سنگر علیه میونسیم و دست راستی های لبنان می جنگ دزود مغریتیم .

- از مبارزه خلق شما در داخل بر زمینهای اشغالی و خارج از آن جهت آزادی کامل مین و اجاد دولت دیکراتیک فلسطین پشتیبانی نموده سازمان آزادیبخش فلسطین را بنیان نهاده ، خلق فلسطین میدانیم . ما معتقدیم که نبرد عادلانه خلق فلسطین با نیروی بنیانی از پشتیبانی هم - بینان را بنس و استراتژیک انقلاب فلسطین که همانا نیروهای مترقی و زحمتکشان جهان میباشد همواره برخوردار خواهد بود .

" هرچه استوارتر باد پیوند انقلابی بیسن خلقهای ایران و فلسطین "

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۸ آذر ماه ۵۸)

فرمانداری آبادان حافظ منافع شرکت های آمریکائی !

وارد عمل شده و طبق بخشنامه ای که ملاحظه می شود ، اعلام کرده است که باید تسهیلات لازم در جهت خارج کردن دکلهای و ابزار و ادوات فراهم شود . شرکت سنتافه که یک شرکت آمریکائی است ، طی سالیان در اوزار طریق استعمار نیروی کار کارگران ایران ، میلیونها دلار از اوزار کشور خارج کرده است و اقدام فرماندار آبادان در این مورد (اجازه خارج کردن دکلهای و ابزار و ادوات) در مقابل خواستههای برحق کارگران مبارز میسر شده است ، دکلهای یک مورد استعمار و غیر طبیعی نسبت به دکلهای درجهای رچوب سیاست و عملگردها استعلاسی رژیم کنونی قرار دارد . رژیمی که بجای مبارزه با امیرالیم که خواسته شده است بدلیس ما هیش شمام گوش و تاملش در این است که مبارزه ضد امیرالیمتی خلق را منحرف کند و به انحاء گوناگون سعی میکند آن نظیر نیروی امیرالیمتیهای جاسکتار بریزد .

همانطور که در سند زیرین مشاهده میشود ، فرمانداری آبادان ضمن بخشنامه ای خروج دکلهای و ابزار و ادوات شرکت سنتافه را بلا مانع اعلام کرده است . تمام کارگران مبارز صنعت حفاری میدانند که شرکتی چون شرکت سنتافه طی سالیان در اوزی چگونه خون کارگران ایرانی را مکیده و از این راه سودهای سرام آوری را بدست آورده اند . شرکتیهای حفاری که بدلیل مبارزات خلق طلبانه کارگران مبارز و دشمن ندادن به روابط و ضوابط رژیم وابسته به امیرالیم شاه ، خائن ، روسرو شده اند ، بتدریج عملیات حفاری را متوقف کرده و شروع به خارج کردن دکلهای خود نموده اند . کارگران مبارز شرکتیهای حفاری بدفعات با این اقدامات فدکا زکری که منجر به سیکاری هزاران نفر کارگر میشود مخالفت کرده و خطوی کار آنها را گرفتارند . فرمانداری آبادان در این اقدامات از طریق ژاندارمری و دیگر نیروهای سرکوبگر ،

شماره
تاریخ
پوست

استاداری خوزستان

فرمانداری آبادان

فرماندهی ناحیه هنگ ژاندارمری خوزستان

بر اساس گزارش شماره ۵۸۱۳۳/۵۸/۳ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۸ اداره روابط مناطق نفخیز - شرکت ملی نفت ایران چون قرار دکلهای شرکت حفاری سنتافه با شرکت ملی نفت خانه یافته ، لذا شرکت میزور مجاز است دکلهای و ابزار و ادوات مربوط را به خارج منتقل نماید .
خواهشمند است به عوامل تحت اختیار (کمیته ها - پلیس راه ژاندارمری وغیره) دستور فرمائید در مسیر انتقال دکلهای به بنادر آبادان و بوشهر چنانچه مجوز لازم از - طرف شرکت ملی نفت و کارگزاران منطقه ارائه گردد در کار انتقال دکلهای جلوگیری ننمایند و ضمناً در مسیر انتقال تسهیلات لازم فراهم گردد .

محمد مهدی قاسمی
معاون امور اجتماعی

۲۶۱۱۰

گزیده گان روز نوشت :

- ۱- استناداری بوشهر جهت استعمار و ایجاد تسهیلات در امر خروج دکلهای
- ۲- شرکت ملی نفت ایران - اداره روابط مناطق نفخیز جهت آگاهی و اجرای تعبدات نسبت به مالبات کارگران سنتافه
- ۳- شرکت حفاری سنتافه جهت اطلاع و اقدام لازم نسبت به انتقال دکلهای به بنادر مربوطه
- ۴- دفتر امور اجتماعی جهت اطلاع
- ۵- پلیس راه ژاندارمری جهت اطلاع

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر